

انتظار مردم از رئیس‌جمهور جدید

هفته‌های پر جنب و جوشی که با بر کارکردن گروه بنی صدریان و تمامی لشکر نمودگندگان به صف انقلاب آغاز شد، دارد با ایجاد نهاد های مهم جمهوری پایان می‌پذیرد. در هفته‌های آramتری که شروع می‌شود، پس از تعیین رئیس‌جمهور، می‌بایست نخست‌وزیر نیز برگزیده شود و نما - بندگان تازه انتخاب شده به مجلس وارد گردند و ترکیب آن را کامل کنند.

تا با هر بهانه و به هر مناسبتی کسانی نتوانند آنرا از اکثریت بیاندازند، و بالاخره وزراء نیز، اعم از جدید و قدیمی در مناصب خود تثبیت شوند و امور اجرایی وزارتخانه‌ها، به جریان افتد.

بی‌شک طرد بنی‌صدر و جبران آن سلیبی که مردم ایران از اشتباه خویش خوردند، گام بزرگ و موفقیت - آمیزی بود و شرکت وسیع در انتخابات

ریاست جمهوری نشان داد که مردم می‌دانند با این رای خود نه فقط یک رئیس‌جمهور انتخاب می‌کنند، بلکه اراده خود را به طرد بساط و راهی که گروه بنی‌صدر معرف آن بود، بیان می‌کنند و راه امام، راه انقلاب را برمی‌گزینند. مردم برای بزرگی که به آقای رجائی، برگزیده نیروهای

بقیه در صفحه ۲

بنی‌صدر و رجوی بدون نقاب

بلندگوهای امپریالیسم آمریکا "مسعود رجوی" را می‌ستایند

اگر تاچندی پیش در برخی دلها هنوز این شک باقی بود که آیا بنی‌صدر خائن است و یا بیمار خود - محور بنی که جاه طلبی مغرور او را به ضدیت با حاکمیت انقلابی میکشاند، اینک با "فرمانی" که به مسعود رجوی "ابلاغ فرمود" تا "شورای جبهه" ضد - انقلاب را تشکیل دهد، و سپس سر از

پاریس بدر آورد و در کنار دیگر "باران" فراری خود فرار گرفت، دیگر کمترین تردیدی باقی نمی‌ماند که یک ضد - انقلابی خالص و خلص پرورده‌ای پیش نبوده و نیست.

اگر تاچندی پیش "تحلیل" ها و

بقیه در صفحه ۲

هشدار!

به اعضاء و هواداران
سازمان مجاهدین
خلق

وصیت نامه
سید محمد رضا
سعادت
صفحه ۸

حماسه‌هایی که در خون می‌شکند

صدیاسدار

در صفحه ۹

فاجعه زلزله کرمان را تسلیت می‌گوئیم

رویداد زلزله شدید روز سه‌شنبه (۶/۵/۶۰) در استان کرمان با فاجعه آفرید و هزاران تن از زحمتکشان روستاهای مارا زیر آوار سنگین خانه‌های غرتوت کلیس مدفون و زخمی ساخت.

این مصیبت بزرگ و ملی که قلوب مردم رنج‌دیده مهین ماراداران دقایق حساس مبارزه گسترده با امپریالیسم خونخوار آمریکا و جبهه متحد ضد - انقلاب داخلی سخت به درد آورده، تنها با از خود گذشتگی و پایداری همین نوده‌های فداکار و زحمتکش التیام پذیراست.

ما ضمن ابراز اندوه عمیق خود نسبت به این حادثه دلخراش به خانواده‌های مصیبت‌دیده و مردم قهرمان و بردبار ایران که یگانه باور روز - های سخت و دشوار سرزمین استوار خویش‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و به نوبه خود از عموم هموطنان شریف و پاکباز خود می‌طلبیم که مانند همیشه دوشادوش دولت و نهادهای انقلابی برای ترمیم خسارات سنگین به یاری فاجعه دیدگان برخیزند.

فرار سپهسالار

شجاع السلطنه، ابوالحسن خان "سپهسالار"، صورت‌بندانداخته و زیر ابرو برداشته، در ادامه پایداری و استقامت فیروزمندانده‌اش سر از پاریس در آورد و به "مرغ طوفان" پیوست.

دلسوختگان "جبهه مقاومت"، زیر حمایت مشفقانه پلیس فرانسه، مقدمش را گرامی داشتند و شادی هانمودند: "ها! مسعود خان بمب‌انداز" هم دیگر توستگر ماست.

ولی، با فرونشستن هیجان اولیه، این به آن وفلان به سهمان نگاه کرد و سر

تکان داد. آخر، مگر نگفته اند که: "وقتی مامادو تا شد، سر بچه کج در می‌آد؟"

البته، مشکل کار در این نیست که یکی، به ادعای خودش، "مجتهد اسلام شناس" از دارل‌علم پاریس است و دیگری "ملی‌گرای ماروز" و طبعاً نباید انتظار داشت که ایشان از یک‌دیگر خبرند. کافی است "عموسام"، برای مصالح عالیله "دنیای آزاد"، دستور دهد و آنها، بیش چشم عالم و آدم، یکدیگر را در آغوش بکشند و برای نرم کردن دل آوارگان دیار کفر و امیدوار کردن و گرد آوردن شان در "جبهه"

بقیه در صفحه ۹

میلونها تن در مراسم باشکوه برگزار داشت روز قدس یکصد شعار میدادند

مرگ بر آمریکا - مرگ بر اسرائیل



امام خمینی:
ایران به رغم تبلیغات امپریالیسم
وصهیونیسم... به سوی سازندگی نهایی
پیش می‌رود

* دولت در جهت ایجاد یک جبهه متحد اسلامی
و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در کشورهای اسلامی
خواهد کوشید

در صفحه ۱۰

کارنامه ابوالحسن بنی‌صدر ۴

معامله کارتر - بنی‌صدر - قطب زاده برای آزاد کردن گروگان‌های جاسوس آمریکایی

"با گرفتن گروگان‌ها، گروگان آمریکا شدیم... (بنی‌صدر - انقلاب اسلامی - ۱۵ آبان ۱۳۵۹)"

این جمله، نظر واقعی ابوالحسن بنی‌صدر را درباره انقلاب دوم بیان می‌کند. البته این نظریک سال بعد از واقعه تاریخی اشغال "لانه جاسوسی"، که در ژرفش و گسترش خط ضد امپریا - لیستی انقلاب ایران اثر تعیین‌کننده‌ای داشت، بیان شده است.

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، وقتی دانش - جوین مسلمان بیروخط امام، در همان حال که سران دولت موقت در الجزایر با برزیلینسکی ملاقات می‌کردند، "لانه جاسوسی" را اشغال کردند، بنی‌صدر در اوج ریاکاری خود برای جمع کردن آراء بیشتر و بیشتر بود.

"انقلاب دوم"، از آنجا که از نیاز راستین انقلاب ما به می‌گرفت، چون

بقیه در صفحه ۶

نشناختن دوستان انقلاب، بزبان انقلاب است

منحربه شناخت کامل دوستان انقلاب، اتحاد عمل کامل آنها، تشکیل جبهه متحدان انقلاب نشده است. هنوز متاسفانه مشاهده میشود که برای برخی از نیروهای راستین انقلابی محدودیت‌هایی وجود دارد، و با در شرایط گوناگون به صورت - های گوناگون محدودیت‌هایی به وجود می‌آید، که البته به سود تقویت اتحاد عمل نیروهای انقلابی نیست، و در نتیجه به سود انقلاب نیست.

این‌کندی نسبی انسجام نیروهای انقلابی، احیاناً معلول دو علت است: یکی اینکه به احتمال قوی هنوز عناصر مشکوکی در میان نیروهای حاکم انقلابی از جمله در برخی نقاط حساس وجود دارند

بقیه در صفحه ۵

روزند پیشرفت هر انقلابی به سوی هدف اصلی، روند مبارزه انقلابی برضد دشمن اصلی انقلاب، در عین حال روند شناخت دوستان و دشمنان انقلاب، اتحاد نیروهای انقلابی از یکسو و نیرو - های ضد انقلابی از سوی دیگر و مشخص شدن نیروهای انقلابی و نیروهای ضد - انقلابی است.

این روند پیشرفت انقلاب در کشور ما، به سوی هدف اصلی انقلاب (استقلال) و در مبارزه انقلابی برضد - دشمن اصلی انقلاب (امپریالیسم به سرکردگی آمریکا)، باعث شده است که جبهه متحد ضد انقلاب و ترکیب آن و اتحاد عمل نیروهای ترکیب‌کننده آن مشخص شود. ولی این روند متاسفانه هنوز

رژیم ضیاء الحق
به ژاندارم
امپریالیسم آمریکا
در منطقه
تبدیل می‌شود

در صفحه ۴

انتظار مردم از...

بقیه زصفحه ۱

بیرو خط امام ، دادند ، باردیگر بلوغ سیاسی چشمگیر خود را ثابت کردند و نشان دادند که دیگر در پی شخصیت و نام و شهرت نمی روند ، بلکه "خط" را تشخیص می دهند .
متجاوزان ۱۳ میلیون رأیی که آقای رجائی کسب کرد ، رأیی بود که به تداوم انقلاب در خط اصیل ضدامیر - یالینسی و مردمی و اسلامی آن داده شد . مردمی که سوزش سیلی اشتباه بازده میلیون رای قلبی خویش را به مدت بیش از یکسال برگرفته جان خویش و بیرون داند انقلاب خویش حس می کردند ، با ۱۳ میلیون رأیی که دادند ، برلیبرام - لیس و سارشاری ، برتسلیم طلبی ، و مسخ انقلاب ، بریادگذاشتن بر سر آرمانهای انقلابی "استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی" دست زدگذاشتند و بدین ترتیب و در حقیقت یکبار دیگر انقلاب را ، در مرحله نوینی از تکامل آن پیروز ساختند .

انقلابی و غرب گرا ، بارها بدرسستی بر محدودیت و طایف و اختیارات ریاست جمهوری تکیه شد ، تا بر گزایشهای سرکش قدرت طلبی و خود کا مگی ، که در شخص بنی صدر به وفور وجود داشت ، دهنه زده شود . ولی در هر حال ریاست جمهوری تنها یک مقام تشریفاتی نیست و باید شمر بی بال و دم و واشکم ، که وجود و عدمش علی السویه باشد ، به شمار نمی رود ، بلکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مقام دارای یک رشته وظایف و مسئولیت ها نیست که ، اگر بدانجام شود ، آنچنان خواهد شد که در زمان بنی صدر شدواگر به درستی انجام شود ، به گردش چرخ های کشور موثر آنگاه خواهد گردید و به یک عامل محرک و پیاپی بدل خواهد شد ، که امیدواریم در زمان آقای رجائی چنین شود .

و اما در این ماههایی که آغاز میشود مردم ما با این همه امید به آن چشم دوخته اند ، چه انتظاری از آقای رجائی داریم ؟ رئیس جمهور تازه ما چه باید بکند ، تا به وظایف خطیر خود عمل کرده باشد ؟ به حیران آن سیلی که از انتخاب نادرست قلبی خوردیم ، چه کنیم تا این بار نتوانیم مشت محکم تری بر چهره "ته" کار امیر یالیم آمریکا و صدام انقلاب پیروزه آن بریم ؟

رئیس جمهور جدید باید بتواند سیاست اصلاحی مرحله سوم انقلاب ما باشد ، یعنی به بهترین وجهی کمک کند ، تا اهداف انقلاب بر آورده شود و با هماهنگی ساختن قوای سه گانه ، در جهت تعمیق محتوای صدامیریالیستی و مردمی انقلاب گام بردارد .

مرحله جدید انقلاب با فریادهای "مرگ بر آمریکا" ، "مرگ بر خط سازش و تسلیم" شکل گرفت و هر گونه بند و بست آشکار و پنهان ، هر گونه گرایش به امیریالیسم ، در هر شکل و شمایل ، توسط توده محروم محکوم شناخته شد ، رئیس جمهور تازه باید معرف این خط اشتی - ناپذیری با امیریالیسم جهانی ، به سرگردگی امیریالیسم آمریکا ، باشد . او باید مظهر قهر انقلابی مردم انقلابی ما علیه دست نشاندهگان منطفه های امیریالیسم و وابستگی مستقیم و غیر مستقیم آنها و صهیونیست ها و صدام انقلاب دست پیروزه امیریالیسم باشد . یعنی ما انتظار داریم که رئیس جمهور از اختیارات و مسئولیت ها و وظایف قانونی خود استفاده کند ، تا بتواند ، چه در راس قوه مجریه ، چه به

عنوان هماهنگ کننده سه قوه ، چه به عنوان رئیس جلسات هیئت وزیران ، هنگامی که در آن شرکت میکند ، چه بعنوان عضو شورای عالی دفاع و چه به عنوان عالی ترین مقام رسمی کشور در رابطه با سایر کشورها ، و خلاصه در همه مسئولیت های سنگینی که بر عهده اوست ، در راه استقلال ایران - این هدف اصلی انقلاب - مبارزه کند . این مبارزه البته کار همه مردم ایران است ولی برای آقای رجائی این امکان استثنائی فراهم شده است که برای استقلال همه جانبه جمهوری اسلامی ایران در یکی از موثرترین و حساس ترین مناصب مبارزه کند . ما از نظر اقتصادی و سیاسی فرهنگی و اجتماعی و نظامی و غیره نیاز حیاتی به استقلال کامل داریم . انتظار مردم از رئیس جمهور آنست که به نوبه خود و در مقام خود ، این نیاز انقلاب را با هوشاری و واقع بینی بر آورده سازد .

در مرحله جدید انقلاب باز هم آشکار تر از پیش توده های زحمتکش مردم به میدان آمدند . هیچکس نمی تواند انکار کند که آن مردم حاضر در صحنه ، که تاریخ را رقم زدند و انقلاب را به جلو راندند ، جز توده های مستضعف نبودند . آنها در انتظار در گزینی های بنیادین هستند . باید وضع زندگی آنها از ریشه عوض شود . بدین منظور ، باید علیه استثمارگران ، که پایگاه امیریالیسم و طاغوت هستند تدابیر جدی و عمیق اتخاذ شود . باید ثمرات انقلابی که متعلق به کوخ نشینانست بدانان برسد ، رئیس جمهور رجائی باید به این انتظار توده محروم ، در جهت نبرد علیه طبقات و اشرار استثمارگر و زورگو و مزور و در جهت خدمت به آنهایی که نسل هاست رحمت می کشند و سهرای از رخ خود نمی برند ، پاسخ دهد .

دوران نبردهای سخت تروجدی - ترکه در آن صفاها بیش از پیش مشخص میشود ، آغاز شده است . رئیس جمهور میتواند و باید در مشخص شدن وضع به سود توده محروم و ریشه کن کردن مبانی محرومیت ها و رنجها و استضعاف نقش موثر خود را ایفا کند . علیه سرمایه - داران غارتگر ، مفسدین بدبختی ها و گرانای ها و بیگانه ها ، علیه فتوادل های مزور و خوانین و اربابان خونخوار ، علیه عقب ماندگی در دناکی که امیریالیسم و رژیم طاغوتی وابسته ایران را دچار آن ساخته است ، علیه هرج و مرجها و بی -

برنامه گی ها و مماشات های غیر اصولی و ساخت پاخت های لیبرال منشانه باید گام جدی و موثر برداشت ، و گر نه از مرحله سوم انقلاب چه باقی میماند ؟ بی شک رئیس جمهور میتواند نقش مهم و موثر خود را در این زمینه ایفا کند مسلما مردم از ۱۳ میلیون رأیی که به سود آقای رجائی داده اند ، این انتظار را دارند که وی برعکس سلف خویش در این سمت مردمی عمل کند ، مردم تشنه عمل هستند ، عملی که موثر باشد و اثرات آن در دیگرگون شدن وضع و بهبود آن محسوس افتد .

مردم در سال قانون بیه پای صندوق های رای رفتند و بیه روش های تخریبی و جنایتکارانه ضد انقلاب ، با روشی قانونی ، پاسخ دندنان شکن دادند . مردم تشنه احترام به قانون و به آزادی - های فردی و اجتماعی هستند و از هر گونه زورمداری و چماق داری و روش های خودکامه و دیکتاتور ما بانه بیزا هستند . رئیس جمهور جدید باید بتواند سال قانون راه شالوده بنای احترام دائمی به قانون بدل کند و کاری کند که سالی نباشد که در آن به قانون و آزادی های فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارجح و احترام گذاشته نشود . از هر جانب که این آزادی ها مورد دخشه قرار گیرد و به هر نام و به هر بهانه ای که باشد ، او باید بتواند جلوی آنرا بگیرد و پاسدار عملی قانون اساسی باشد . میدانیم که مقاومت در برابر گروه های فشار و کسانیکه مشتاق خودکامگی و انحصار طلبی و بیکه تازی و خود قانون بینی هستند ، به راستی هشیاری و تزلزل ناپذیری و پایداری بودن به اصول رومی طلبید ، و مردمی که ۱۳ میلیون رای به آقای رجائی داده اند ، منتظرند که وی پاسخگوی این خواست آنها نیز باشد .

در انتخاب رئیس جمهور جدید همه مردم انقلابی ما ، صرف نظر از وابستگی های سیاسی و معتقدات مسلکی خود شرکت کردند . این اتحاد نظر ناشی از آن وحدتی است که همه این انقلابیون رادر نبرد علیه امیریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی امیریالیسم آمریکا و تقاله - های داخلی آن به هم پیوند می دهد . و شیقه پیروزی های آینده ما و ضامن

پیشرفت و تداوم انقلاب ، ادامه این اتحاد است . اتحاد نیروهای انقلابی را صرف نظر از تفاوت های عقیدتی و مسلکی آنها ، باید حفظ کرد و باید تحکیم کرد . رئیس جمهوریکه بر شالوده یک چنین اتحادی و بخاطر خط و هدف واحدی انتخاب شده و اگر بد درستی عمل کند ، می تواند مظهر بیگانگی همه مردم و آرمان - های آنها در نبرد علیه امیریالیسم و لیبرال - ها و مستکبران و زورگویان و بهره کشان باشد ، باید در دوران ریاست جمهوری خویش این اتحاد را ، که به قول معروف از نان شب هم واجب تر است ، مستحکم کند . مصالح انقلاب ما ، مصالح حیاتی کشور ما ، ایجاب میکند که آقای رجائی با تمامی آنچه در نیرو دارد برای این اتحاد و ارتقاء آن به اشکال بالاتر و پرثمرتری بکوشد . انتظار مردم از ایشان در این مورد انتظار نیست که از علاقه مردم به تعمیق انقلاب و از امید آنها به رستف کن کردن تمام تقاله های آمریکایی و وابستگان طاغوتیان خیانتکار و نابود کردن جنبه منحد ضد انقلاب سرچشمه می گیرد . به این انتظار باید پاسخ داد .

از رئیس جمهور جدید مردم انتظار روشن بینی دارند . نمی خواهند دیگر داستان برادر بار رئیس جمهور پیشین تکرار شود که گروهی مشکوک و متظاهر ، به دور مقام ریاست جمهوری گرد آیند و در منحرف کردن خط انقلاب کوشا باشند و در این انحراف به موفقیت - هایی هم نائل شوند . نمی خواهند دیگر سیلی های تازه ای از مزوران چهره سازان بخورند . نمی خواهند عمال آمریکا و عمده مالکان و سرمایه داران بزرگ زیر نقاب "اسلامی" و "بیزر نقاب ماورا" چپ و انقلابی نمایی کاذب و با فریادهای "بیکار - گونه" و "رنجبر" "ساو" "مجاهد" "نماعتی" در گمراه کردن مردم و به بیراهه بردن انقلاب بنمایند .

مقام ریاست جمهوری مقام پر - مسئولیتی است که میتواند در به انحراف کشاندن یا در سالم نگه داشتن خط انقلاب نقش مهم داشته باشد . اولی را با آن تجربه تلخ و دردناک آزمودیم و دیگر نمی خواهیم تکرار کنیم . از رئیس جمهور جدید انتظار داریم که دومی راه ، یعنی راه سلامت و استحکام خط انقلاب را ، پیشبرد . قاطع خط ضدامیریالیستی و مردمی را ، زیر رهبری امام خمینی ، پاسدار باشد .

جوانان فریب خورده چهره کریه و خبیث ضد انقلابی رجوی ها - رهبری سازمان را چنانکه هست ، نشان داد ، تا بتوانند خود را از جنگ اطاعت کور از آنها رها سازند بهترین سند خیانت بنی صدرها و رجوی - ها ، حمایت گسترده دستگاه تبلیغاتی امیریالیسم خیری از آنها است . باید این سند را در برابر چشم جوانان فریب خورده نگشود ، تا به رهبری ضد انقلابی خود پشت کنند و به انقلاب روی آور شوند .

کار توضیحی برای به هوش آوردن این جوانان ، باید اذعان کرد ، که به قدر کافی انجام نگرفته و هنوز هم نمی گیرد . باید این نقص را برطرف کرد .

بنی صدر و رجوی ...

بقیه زصفحه ۱

اعمال رهبری سازمان مجاهدین خلق ، هنوز در برخی از دلها شگفتی برمی - انگیزد که چگونه سازمانی که خود را انقلابی و ضدامیریالیستی معرفی میکند ، حاکمیت انقلابی ضدامیریالیستی را "ارتعاعی" مینامد ، که باید آن را سر - نگون کرد ، و با آن "تحلیلها" و اعمال در صنف بختیارها ، فاسطوها و لیبرال - ها و ما غنوغیست های آمریکائی و ساواکی - ها قرار میگیرد ، اکنون دیگر جایی برای شگفتی باقی نمانده است .

رجوی ، یا "بیامی" که در آن "فرمان" بنی صدر را بدرفت و برای "تشکیل شورای ملی مقاومت" از همه ضد انقلابیون "قبول رحمت" نمود و سپس در رکاب "سپهسالار" به پاریس فرار کرد ، علنا و علما ثابت کرد که جز یک ضد انقلابی تمام عیار چیزی نبوده و نیست .

و رجوی نیز (اگر فرض کنیم که از همان آغاز زدگی "ندانسته" خالاد دیگر تا حد پادوی "سپهسالار" همه ضد انقلابیون سقوط کرده است .

امریکا البته تطبیق نسخه "در نا - امیدی بسی امید است" سعی کرده سعی میکند و در آینده نیز سعی بیشتری خواهد کرد که این بار اکثر ضد انقلابیون را در خارج و داخل کشور زیر علم بنی صدر بگارد و از مسعود رجوی نیز برای جلب جوانان فریب خورده محاهده کارآرشیستی و تروریستی ضد - انقلابی استفاده کند ، همانطور که بختیار و اویسی را به ابستگاه فرستاده - رادیو مجهر کرد ، بیکر رادیو نیز در اختیار ایشان قرار دهد ، ایشان را نیز ، مانند دیگر مهره های گوش به فرمان ، با پول و دیگر وسائل و کمک های "معنوی" "ماهوران" سیا و خدمات ساواکی ها و او باش مزدور "تقویت" کند ، تا شاید آنچه را به دست بختیارها و اویسی ها و نیم پهلوی دست (اشرف و رضا و فرح و غیره) نتوانسته انجام دهد ، بدست ، علیه ترین معز عصر حاضر "تحقیق بخشد .

"قانونی" بنی صدر را علم کند . مانند "دولت آزاد" بختیار ، که بنا بود بعد از تهاجم "ظفر مند" صدام تشکیل داده شود و "به رسمیت" شناخته شود و پایگاهی برای جنگ داخلی گردد ، این بار "جمهوری اسلامی" بنی صدر یا مسعود رجوی در راس اداره امور کشور "ایرانی" آزاد از "دیکتاتوری ارتجاع" به وجود آورد ...

مضمون این ضرب المثل درست است که ، "توبه برگ مرگ است" اگر آمریکا می توانست آزموه ها را دیگر نیاز مابد و پس از صدارت شکست یاز به آزمودن آزموه نبردازد ، "آنگاه" عقلی "میداشت و دیگر امیریالیسم نبود ، ولی امیریالیسم "عقل" ندارد ، عقل با سرشت او سازگار نیست حرس او در بی بند کشیدن و غارت خلق ها "عقل" راز او میرا بدید و ما چرا - جویی را جایگزین آن میسازد .

ولی از نظر سیاسی کم مایه و بی تجربه بوده اند . باید با "عقل" این جوانان فریب خورده کار کرد . باید به روی آنها آغوش محبت گشود و به آنها نشان داد که به گفته حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، "بوجشم ما" هستند ، ضمنا البته باید به آنها هشدار داد که اگر هر چند از روی نادانی یا لجاج جوانی نتوانند راه را از گمراهی تشخیص دهند ، چاره ای جز مقابله قاطع با آنها باقی نمی ماند . باید به این جوان های بی گناه فریب خورده تفهیم کرد که مسئله جدی است و بازی فلان آرتیست در فلان فیلم سیمافی کابوئی نیست . مسئله نبردین انقلاب با ضد - انقلاب ، با آمریکا و تقاله های آنست ، و این نبرد شوخی بردار نیست . باید به این

بلندگوهای امیریالیسم آمریکا «مسعود رجوی» را می ستانید

صدای آمریکا در ۱۶ تیر ماه ۱۳۶۰ ، به نقل از روزنامه واشنگتن پست "مسعود رجوی" و "مجاهدین خلق" را چنین ستوده است :
"مجاهدین تنها گروهی هستند که سازمان دهی و تجربه و امکانات کافی مقابله با رژیم جمهوری اسلامی ایران را در اختیار دارند و چریک های مجاهد که سازمان یافته و با تجربه هستند ، از شبکه ارتباطی وسیعی نیز برخوردارند و در یکی دو سال اخیر نیز از محبوبیت زیادی برخوردار شده به تعداد اعضایشان به مقدار قابل توجهی اضافه گشته است . این تحول به خودی خود غالب توجه است ...
مسعود رجوی که این سازمان چریکی را رهبری میکند ، احتمالا به عنوان چهره عمده ، مقابله با رژیم حاکم ظاهر میشود ."
در جای دیگر "مسعود رجوی" بعنوان "مسلمان مومن و متعهد" معرفی شده است .
ستایش بلندگوهای امیریالیسم آمریکا از "مسعود رجوی" در حالی است که ارگان های تبلیغاتی امیریالیسم آمریکا شب و روز نیروهای انقلابی ایران را مورد یلیدترین نساها و افتراها قرار میدهند .
آیا آن ستایش و این ناسزا ، هواداران صدیق ، ولی گمراه و فریب خورده "مجاهدین خلق" را به فکر نمی اندازد و به این نتیجه نمی رساند که "رهبری مجاهدین خلق" در جنبه ضد انقلاب قرار گرفته ، لذا باید از آن برید . آن را محکوم کرد و به راه واقعی خلق ، راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گام گذارد ؟

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت :

پایگاه عمده جبهه براندازی، بزرگ مالکی و سرمایه داری بزرگ ،

همچنان باقی است

- شرکت فعال مردم در انتخابات دوم مرداد نشانه هشیاری و عشق و ایمان مردم به انقلاب بود .
- فرار بنی صدر و رجوی باندازه هزار کتاب و مقاله روشن کننده رسوائی جریان آنهاست .
- ریشه های آمریکا هنوز در کشور انقلابی ماباقی است .
- مبارزه با لیبرالیسم باید تا نبودی آن ادامه یابد .

انقلاب در به آشوب کشیدن کشور سخن گفت . همچنین ، با اشاره به تاکیدات صریح امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه انجام اقدامات عمرانی در روستاها و رسیدگی به وضع روستائیان ، از مسئولین خواست گامهای موثرتری در این جهت بردارند . در همین جلسه مجید انصاری نماینده زرنده کرمان در سخنان کوتاهی به حادثه زلزله کرمان و حومه آن که منجر به تلفات و خسارات فراوانی شده است اشاره کرد و از مسئولین خواست هر چه سریعتر و باتمام امکانات به یاری مصدومین و خسارت دیدگان این حادثه بشتابند . حجت الاسلام رفسنجانی نیز ، ضمن اظهار تاسف از این حادثه تاسفبار ، خواستار رسیدگی جدی به وضع زلزله زدگان شد . رئیس مجلس همچنین طی سخنانی با اشاره به توطئه ها و دسائیس دشمنان انقلاب خواستار وحدت تمام اقشار و بخصوص هموطنان " شیعه و سنی " شد . در این جلسه اعتبارنامه فهمیم کرمانی نماینده مردم کرمان طرح شد و به علت اعتراض حجتی کرمانی به آن برای رسیدگی به کمیسیون تحقیق ارجاع شد . سپس بحث در مورد طرح اراضی شهری ادامه یافت .

جلسه علنی بعدی مجلس روز ۸ مرداد ۶۰ تشکیل شد . در این جلسه ابتدا علم الهدی اولین ناطق قبل از دستور طی سخنانی با اشاره به این که انقلاب ایران تاکنون پس از تجربه دولت لیبرال توانسته است چهره های " امیرانظام ها ، نژیدها ، مقدم مرغدهای ها ، قطب زاده ها ، سلا متیان و بنی صدرها " را افشا کند و به کنار زند ، از فرار بنی صدر و رجوی به فرانسه سخن گفت و پرسید : " وقتی بختیارها ، نژید و مقدم مرغدهای ها از مرز بازگازن فرار کردند چگونه شد بنی صدر در معیت رجوی از طریق هوایی آنتهم با هواپیمای جنگی فرار کرد ؟ آیا این سستی و عدم مراقبت دولت را نمی رساند ؟ " وی اشاره کرد که این گونه سستی ها و تسامحها " لطمات سنگینی نیز در زمینه از دست دادن " شخصیت های ارزنده " به انقلاب ایران وارد می آورد " ، آنگاه دولت را مورد سؤال قرار داد و گفت : " واقعا باند فرودگاه را چه کسی به روی اینها باز کرد و چرا تا بحال بازداشتش نکرده اند ؟ " وی همچنین با اشاره به " توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا " در ناسودی انقلاب که اکنون بصورت ترور و کشتار نمایندگان مجلس و شخصیت های ارزنده تجلی پیدا کرده است ، گفت : " آمریکا و دشمنان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی با وجود شکستهای پی در پی از انقلاب ایران هنوز سرکوب نشده است ، درست است که با شکستهای اخیر مواضع سیاسی مهمی را که انقلاب اسلامی ایران را تهدید جدی می کرد از دست داد ، ولی تصور اینکه ریشه هایش در سرتا پای دستگاه های قانون گذاری ، قضائی و اجرائی و در نهاد های گوناگون انقلاب خشکیده باشد به کلی دور از واقعیت است . مهمترین که پایگاه عمده اقتصادی این جبهه براندازی ، یعنی بزرگ مالکی و سرمایه داران غارتگر وابسته به آمریکا همچنان باقی است و اینها هنوز بخش مهمی از عمده ترین شریانهای اقتصادی کشور را در دست دارند . " ناطق گفت : " مستضعفین شهری و دهاتی ، پس از گذشت دو سال ونیم از انقلاب ، هنوز لذت برابری و برادری را نچشیده اند . "

سپس حجت الاسلام خلخالی نماینده مردم قم طی سخنانی با اشاره به فرار بنی صدر و رجوی به فرانسه ، آنرا ، مرتبط با انتخابات ۲ مرداد دانست و گفت : " این انتخابات مشمت محکمی به دهان ایالات متحده آمریکا و سردمدار زان فساد منجمه بنی صدر بود . " وی خطاب به دولت فرانسه بخاطر پناهندگی دادن به این افراد تاکید کرد : " ملت ایران از این ها نخواهد گذشت " و وی با اشاره به اینکه در کشور فرانسه " نژید و مرغدهای ومدنی ، امینی ، بنی صدر و رجوی علیه ، ماتوطئه می کنند ، از مقامات مسئول خواستار رسیدگی به وضع سفارت فرانسه در ایران شد . وی ضمن انتقاد شدید از دولت در مورد فرار بنی صدر ، آن هم از فرودگاه پایگاه یکم شکاری و با هواپیمای جنگی گفت : " این همه مسامحه کاری را مردم نمی توانند از شما قبول کنند . " وی افزود : " نباید مسامحه کرد و نباید فکر کرد این آخرین دسیسه آنهاست . " ناطق گفت : " وقتی نیروی هوایی شما در اختیار شما نباشد ، پایگاه یکم شکاری شما در دستتان نباشد ، جنگنده هایتان در اختیارتان نباشد ، با چه میزانی می خواهید این مملکت را اداره کنید ؟ دیروز یکی فرار کرد رفت به مصر ، شماعبرت نگرفتید ، آقای بنی صدر رفت ، باز عبرت نگرفتید " وی ضمن تقدیر از رزمندگان صادق و جانباز نیروی هوایی بقیه در صفحه ۴

حمایت از مستضعفین فرمان امام است

در این جلسه دکتر هادی اولین ناطق قبل از دستور ضمن شادباش به رزمندگان انقلاب به خاطر پیروزی های آنها در جبهه کرخه کوردرباره انتخابات ۲ مرداد صحبت کرد و آراء مردم را در این روز " رای اعتماد " به جمهوری اسلامی ایران خواند . وی از جمله گفت : " این رای برای اینست که ایران به استقلال کامل سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی برسد " دکتر هادی با اشاره به " گرانی ، تورم و بیگاری و سایر مشکلات اقتصادی " خواستار " برنامه ریزی و کار جدی " در مورد مسائل اقتصادی کشور شد و تاکید کرد " با توجه به شکست کامل خطهای دیگر در مقابل خط امام ، فرصت این کار هست " . وی همچنین از تاکیدات مکرر امام خمینی ، رهبر انقلاب ، در زمینه لزوم توجه به " زاغه نشینان و مستضعفان " سخن گفت و بر لزوم انجام این دستورات امام خمینی تاکید کرد . سپس با اشاره به روز قدس و جنایات اسرائیل در لبنان دکتر هادی ، خواستار مبارزه همه جانبه با " صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا " حامی اصلی آن شد . وی تاکید کرد : " نگذاریم کاری را که بر سر فلسطینیان آوردند بر سر مسلمانان جنوب لبنان بیاورند " . سپس حجت الاسلام رفسنجانی با تبریک به رزمندگان انقلاب بخاطر پیروزی های چشمگیرشان در جبهه کرخه کور ، اظهار امیدواری کرد که این پیروزیها " طلایه پیروزی های بی درپی " رزمندگان انقلاب باشد . وی همچنین با اشاره به حادثه سقوط هواپیمای آرژانتینی ، تبلیغات خبرگزاریهای امپریالیستی را در مورد این که گویا این هواپیمای برای ایران از اسرائیل اسلحه حمل می کرد ، کاری در جهت " مشوه کردن چهره " انقلاب " ایران دانست و آنرا به شدت محکوم کرد . وی همچنین از موضع روشن جمهوری اسلامی ایران در مقابل اسرائیل سخن گفت و در اثبات دروغ خبرگزاریهای امپریالیستی به وجود بارنامه و کلیه مشخصات این هواپیمای در نزد ایران اشاره کرد . سپس مجلس وارد دستور شد و بحث پیرامون طرح اراضی شهری ، ادامه یافت .

آقا محمدی نماینده همدان ضمن ارائه پیشنهادی در مورد یکی از مواد طرح ، اظهار امیدواری کرد که تصویب این طرح مقدمه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی باشد . در همین جلسه اعتبارنامه " شهاب الدین بیمقدار از شهرستان اهر طرح شد و به تصویب نمایندگان رسید . اعتبارنامه محمد کاظم صوری از شهرستان شیروان نیز به تصویب نمایندگان رسید . جلسه علنی بعدی مجلس روز ۷ مرداد تشکیل شد . در این جلسه ابتدا بشارت نماینده سمیرم ، اولین ناطق قبل از دستور طی سخنانی از روز قدس یاد کرد و با اشاره به زوال و نابودی قریب الوقوع حکومت های ارتجاعی منطقه مانند " حکومت سعودی ، ملک حسن و ملک حسین " ، تاکید کرد که اکنون " اسرائیل خود را بیش از پیش در معرض خشم توفنده " ملت های مسلمان می باید " وی همچنین ضمن گرامسی داشت یاد شهید محمد منتظری او را " تجسم راستین ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی و پیشتاز در راه پیمائی های روز قدس " دانست . ناطق در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به سقوط بنی صدر که " تا کمر در لجن متعفن خودسری و سیاست بازی و دغل کاری فرورفته بود " ، از توطئه عوامل ضد

ماحبان قلبی اش " ذکر کرد . نماینده دولت ضمن توضیحاتی با اشاره به مشکلات کونی صنایع در زمینه ارائه چنین ترانامه ای و از ۶۰۰ شرکت ملی شده سخن گفت و خواستار تصویب چنین تمهیدی شد . تمهید ۶ ماهه مهلت تسلیم ترانامه شرکت ها به تصویب نمایندگان رسید .

لزوم طرد کامل لیبرال ها

در جلسه علنی روز ۵ مرداد ابتدا چند تن از نمایندگان در نطق های قبل از دستور مطالبی را بیان داشتند ، حجت الاسلام محمد یزدی نماینده مردم قم در سخنان خود با اشاره به بی مبغذاری ها از جمله گفت : " با اینکه هنوز نمی شود گفت امید دشمنان انقلاب قطع شده است ولی به مقدار زیادی امید آمریکا و دیگر قدرت هایی که چشم به این کشور دوخته اند قطع شده است " وی همچنین با اشاره به نتیجه آراء انتخابات گفت :

" این آراء نشان می دهد دشمن با توجه به سیخ نیروهایش چقدر ضعیف است " انزای نماینده مردم تبریز نیز در سخنان خود به فدکاری سپاه پاسداران انقلاب در کشف مراکز و توطئه های عوامل صند انقلاب اشاره کرد و از مسئولان خواست تا " به کارهای رفاهی مردم توجه بیشتری شود تا ضد انقلاب بهانه ای نداشته باشد . "

آخرین ناطق قبل از دستور این جلسه ، عابد بن زاده نماینده مردم خوی بود که طی سخنانی با اشاره به فعالیت سازمان یافته ضد انقلاب ، " ساواکی ها و سرمایه داران " که در آغاز انقلاب پنهان شده بودند " علت را " قدرت ترمزکننده و پاسبان ولیرالیسم که بعد از پیروزی انقلاب به صورت قدرت حاکم برجایه انقلابی ایران " جلوه کرد ، دانست . وی از جمله گفت : " ویدیسان بود که تیمسار مقدم قرار بود به ریاست رکن ۲ ارتش (انتخاب شود) و ساواکی ها جلوی نخست وزیر را حتما می کنند و طلبکاری می شوند " وی با اشاره به چنین حوی و وجود " برنامه ریزی " مانند " امیرانظام ها و میناچی ، خلق مسلمانی ها ... " تاکید کرد " در چنین حوی ضد انقلاب زمینه رشد بسیار مناسب پیدا می کند . " وی تاکید کرد " لیبرالیسم را تا مرگش باید تعقیب کرد " . ناطق در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به فعالیت " خلق مسلمانی ها " در آشوب های آذربایجان گفت " در جریان خلق مسلمان ، این ترکیب قدرت حاکم در قم که اعتقادشان به اوست در تقسیم آذربایجان موافقت می کند " . وی آنگاه با اشاره به فعالیت بنی صدر و اطرافیانش گفت :

" مائوئیست های آمریکایی ، این خوک های آمریکایی برراد یو تلویزیون و جاهای دیگر مسلط می شوند و بنی صدر صحنه گردان میدان می گردد " . ناطق در پایان سخنانش از قوه قضائیه خواست ، " مبادا در جریان تعقیب بنی صدر همان جریان مدنی پیش بیاید " . وی همچنین با اشاره به جریان ترور هاتاکید کرد که هیچ یک از لیبرال ها هم در این جریان ها کشته نشده اند " . آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح اراضی شهری برای شور دوم مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار گرفت و پیشنهاد های مختلف در مواد اعتبارنامه حسین نیوا اخلاقی نمایندگان رودسر و سیرجان به تصویب مجلس رسید . طبق توضیح مخبر کمیسیون مسکن و شهرسازی در این طرح سعی شده است که اراضی شهری در اختیار دولت قرار گیرد " . وی تذکر داد " این طرح به سرنوشت و اقتصاد مملکت مربوط می شود " . جلسه بعدی مجلس روز ۶ مرداد تشکیل شد .

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۵ جلسه علنی داشت . در این جلسات نمایندگان کلیات لایحه مطبوعات را مورد تصویب قرار دادند و بودی از طرح قانونی اراضی شهری را تصویب کردند . در جلسات علنی این هفته مجلس شورای اسلامی همچنین اعتبارنامه عتن از نمایندگان مورد تصویب قرار گرفت .

امریکا مسئول اصلی جنایات لبنان است

در جلسه علنی روز ۴ مرداد ۶۰ ابتدا اخلاقی نماینده مردم رشت طی سخنانی جنایت عوامل ضد انقلاب در استان گیلان را که روز انتخابات صورت گرفت محکوم کرد و از مقامات قضائی کشور خواستار اعمال قاطعیت بیشتر در مقابله با عوامل ضد انقلاب شد سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی طی سخنانی ضمن ستایش از مردم انقلابی ایران که با " ساخت درست سیاسی " در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شرکت کردند و " عشق و ایمان خود را نسبت به انقلاب نشان دادند " ، از مقامات مسئول کشور که تمام کوشش خود را جهت انجام صحیح انتخابات بکار بردند تشکر کرد . وی همچنین با اشاره به کشف تعدادی از مکان های تجمع ضد انقلاب توسط مردم از آنها سپاسگزاری کرد . رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانی با اشاره به جنایات اسرائیل در لبنان ، " مسئول اصلی " آنرا آمریکا دانست و گفت : " مسئول اصلی آن آمریکا و مجری مستقیم آن اسرائیل و نائید کنندگان بی نام و نشان که از تمام منطقه و ایسنگان به سیاست عربند ، (بود) " . وی افزود :

" این جنایت آبروی استعمار جهانی غرب را یکبار دیگر بر وجهه " سازشکاران مدعیان اسلام و عربیت راهم بر ملا ساخت . " سپس مجلس وارد دستور شد و قبل از طرح لایحه مطبوعات اعتبارنامه حسن زاده و محمد اسحاق مدنی نمایندگان کاشمر و سراوان ، طرح شد و به تصویب نمایندگان رسید . آنگاه لایحه مطبوعات در دستور قرار گرفت و نمایندگان در کلیات آن به عنوان موافق و مخالف بحث کردند . از جمله دکتر هادی به عنوان مخالف گفت : " هر قانونی که برای مطبوعات نوشته می شود می خواهد تصویب شود باید حتما متضمن دو محور باشد یکی آن که آزادی حتما تضمین شود و دیگری این که زهر گوی توطئه و اخلال بشدت جلوگیری بشود " . وی گفت : " اگر چنانچه آزادی را بدون هیچ ضابطه ای وحی همراه با توطئه و خیانت اجازه بدهیم به خود آزادی صریح بدهیم ، و اگر چنانچه از آن طرف باسم اینکه میخواهیم جلوی توطئه را بگیریم آنقدر محدود کردیم آزادی را که کسی نتوانست حرفی بزند ، با آنتهم به آزادی صریح بدهیم ، بنابراین باید تعادلی بین این دو محور باشد " . وی همچنین خاطر نشان کرد که این طرح با مصوبه شورای انقلاب تفاوت اساسی ندارد . همچنین حجت الاسلام محمدتسنتری در مخالفت با این طرح سخن گفت و از جمله تاکید کرد : " به عقیده من غفلت یا مسامحه ای می شده در معنی کردن آزادی های موجود در قانون اساسی ... آزادی که در قانون اساسی ما در همه قانون های اساسی به احزاب یا مطبوعات یا اشخاص داده می شود آزادی در برابر هیئت حاکمه است ، وی افزود : " متاسفانه دیده می شود قضیه درست عکس این تلقی می شود ، یعنی این آزادی در برابر دولت و هیئت حاکمه تصور می شود ، بلکه دولت و هیئت حاکمه تعیین کننده حدود آزادی تصور می شود . در قانون اساسی این جور نیست " . وی گفت : " اصلا تعیین تکلیف برای مطبوعات که چه بکنند ، با روح قانون اساسی و نسی قانون اساسی مخالف است " . می شود گفت فلان و فلان عمل برای مطبوعات جرم است و اگر مرتکب شدند قوه قضائیه باید به آن جرائم رسیدگی بکند و چون چهار چوب اصلی این طرح در منافات کامل با این مسئله است ، این طرح انتظام و هماهنگی با قانون اساسی ندارد " . کلیات این لایحه پس از بحث نمایندگان و توضیح وزیر ارشاد به رای گذاشته شد و با ۹۲ رای موافق تصویب شد . سپس لایحه تمهیدات برای تسلیم اظهارنامه ترانامه سودوزیان شرکت شد . در مورد این لایحه احمد کاشانی به عنوان مخالف از جمله گفت : " اطلاعی که داریم اینست که الان تپ های به اصطلاح لیبرال در راس صنایع مملکت ما هستند و باید چنین وضعی هیچ امیدی برای بهبود آینده ما نیست " . انصاری موافق این لایحه ضمن اشاره به لزوم تحویل ترانامه این شرکت ها ، علت تمهید مهلت ۶ ماهه را " از هم - پاشیدگی صنایع " و " نابودی دفاتر اصلی توسط

رژیم ضیاء الحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل می شود

در ماه روزه سال جاری (اواخر خرداد ۱۳۶۰) نگهبانان سایدکی بلند پایه دولت آمریکا ریاست تکلی بخار و برآمور خارجه ایالات متحده آمریکا گاه گاه مسافرت کرد. دیدار این هیئت از پاکستان به مناسبت مسافرت ماه آوریل (اورد سیست اسال جاری) قاجاهی روح امور خارجه پاکستان خواستگاری بود. در جریان مسافرت آفاناهی به آمریکا مذاکراتی در مورد همکاری های نظامی و کسرتن همکاری های نظامی و صلحی آمریکا با پاکستان انجام گرفت. در مسافرت دیگری به پاکستان این مذاکرات با مقامات پاکستانی ادامه یافت. ارجحله مسائل مربوطه تجدید نظر در بیان نظامی دو جانبه سال ۱۹۵۹ آمریکا با پاکستان، جواب مختلف کشورهای نظامی و صلحی از محل اعسارات ۲/۵ میلیارد دلاری که آمریکا برای این منظور در احصار پاکستان کرده و دیگر مسائل سیاسی و نظامی مطرح و مورد مذاکره قرار گرفت. در آساده سفر هیئت سایدکی دولت آمریکا کمک نظامی به پاکستان علت نفعی میان بین المللی پاکستان، کسرتن خارجی سالی آمریکا سیسهاد کمک نظامی به پاکستان را خوب بنویسند بنویسند. غنیمت ملی دولت آمریکا می فرماید. کمک نظامی به پاکستان علت نفعی میان بین المللی در مورد خیرم کسرتن برای سیاسی به صلاح نمی گفند.

است و به همین علت آمریکا سعی دارد که با انعقاد معاهدات "دفاعی" جدید با پاکستان موقعیت رژیم ضیاء الحق را تثبیت کند. سیاست نظامی و معشقه های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم آمریکا در این منطقه پس از سروری انقلاب کوهسود مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در مهبس ما و نیز پس از غنیمت مابین نوظفدهای آمریکا، چین و پاکستان برای سرنگونی رژیم دموکراتیک در افغانستان همچنان با مقیاس وسیعتری دنبال میشود. هدف اصلی این سیاست قبل از هر چیز تثبیت رژیم براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در ایران و تثبیت نیاور و مداحله نظامی غلبه جمهوری دموکراتیک افغانستان است. سروری انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و سروری انقلاب دموکراتیک در افغانستان دو رویداد تاریخی مهمی هستند که موجب تحولات زرفی و نفع نیروهای بهائی بخن و استقلال طلب در سراسر این منطقه گردیدند و مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی آمریکا با رسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا را به نحوی سی سابقه و بارگشت باید بر مترزل و تصعف نمود.

رضای معدوم روان است. این رژیم ضد خلقی برای نجات خود آماده هرگونه خیانت به منافع ملی و استقلال کشور و ارتکاب جنایت در حق مردم پاکستان برای خدمت به اربابان امپریالیستی خویش است. روزنامه "آمریکائی لوس آنجلس تایمز" به این پرسش که چه انگیزه ای ایالات متحده آمریکا و چین را وادار ساخته که با این مقیاس گسترده به تقویت نیروی نظامی پاکستان اقدام کنند و این کشور را به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز و کانون عملیات ماخراجویانه خود تبدیل سازند چنین پاسخ می دهد: "پاکستان بر حسب ماهیت دیکتاتوری حکومت و موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی آن مناسب ترین کشور در این منطقه است که آماده و قادر است نقش مجری فعال سیاست آمریکا در این منطقه را ایفاء کند".

روشن چاندرا رئیس شورای جهانی صلح در مورد روابط آمریکا و پاکستان به این مطلب اشاره کرده است که آمریکا پاکستان را به پایگاه نظامی جدید در منطقه تبدیل کرده و ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان بجای شاه معدوم ایران نقش ژاندارم آمریکا در این منطقه را به عهده گرفته است. روزنامه "تایمز اف ایندیا" درباره روابط آمریکا و پاکستان نوشت که آمریکا می خواهد نقش ژاندارم منطقه را که در گذشته رژیم سرنگون شده شاه معدوم ایران به عهده داشت به ضیاء الحق دیکتاتور نظامی دست نشانده خود در پاکستان واگذار کند. قراردادهای نظامی و تسلیحاتی که طی دو سال اخیر، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق منعقد ساخته بخوبی نشان می دهد که جریان تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز و توطئه های نظامی از کانال های گوناگون یعنی هم مستقیماً از جانب آمریکا و هم از جانب کشورهای عضو پیمان "ناٹو" چین و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه انجام می گیرد. چندین پیش صندوق بین المللی پول که زیر نفوذ و کنترل آمریکا و دیگر دول امپریالیستی عضو پیمان "ناٹو" قرار دارد، موافقت خود را با واگذاری وامی به مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار به پاکستان اعلام کرد. ناظران سیاسی بر این عقیده اند که وام صندوق بین المللی پول، به منظور تامین هزینه های نظامی سنگین که پاکستان صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی می کند به رژیم ضیاء الحق داده شده است. از سوی دیگر عربستان سعودی و مصر نیز بارژیم ضیاء الحق قراردادهای نظامی منعقد کرده اند و اعتبارات نظامی و کمک های تسلیحاتی در اختیار این رژیم می گذارند. واحدهائی از ارتش پاکستان در مقابل کمک های نظامی و تسلیحاتی بلاعوض عربستان سعودی برای تقویت نیروی نظامی آن کشور و شرکت در ساختمان تاسیسات نظامی آن به آنجا اعزام شده اند. همچنین بخش اعظم هزینه های نظامی و سایر هزینه های اردوگاه های ضد انقلابیون افغانی در خاک پاکستان به وسیله عربستان سعودی، مصر و دیگر رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا در منطقه تامین می شود. افزون بر این همه، ژنرال ضیاء الحق در اجرای سیاستهای توطئه گرانه و سرهم بندی

انگیزه در پاکستان با احتمال کارخانه ها، عسل او اسوم که محمول آن می تواند برای بهیمن نظامی نگار بوده بود در سری اعصاب است به تراز حیرت انگیز دولت پاکستان به رودی عمیق خود را از طریق خواهد کرد. در همین رابطه دولت حسن اعلام کرده است که پاکستان برای آرماس سلاح هسته ای می تواند در صدد احصار این سلاح هسته ای برای خود است. احصار این سلاح هسته ای برای خود است. احصار این سلاح هسته ای برای خود است. احصار این سلاح هسته ای برای خود است.

تلاش های امپریالیسم آمریکا برای گسترش حضور نظامی خود در این منطقه، کمک های نظامی و صلحی آن به رژیمهای ضد خلقی و وابسته و تبدیل سرزمین آنان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز و استقلال طلب در سراسر این منطقه است برای حیران مواضع ارد دست رفته و کوشش در جهت تثبیت و تصعف و در صورت امکان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و رژیم دموکراتیک در افغانستان. امپریالیسم آمریکا تلاش دارد که در نقاط استراتژیکی منطقه - حلیج فارس و خاور نزدیک و سنده ایگاه های نظامی و سیاسی برای خود ایجاد کند، با کشورهای عربی عضو جنبه پایداری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در محاصره نظامی خود قرار دهد و با همکاری رژیمهای وابسته خود به توطئه های سیاسی و مداحله و تحریکات نظامی علیه رژیمهای مستقل ملی و ترفیخواه در این منطقه ادامه دهد و نتایج تصعیف این کشورها و براندازی نظامهای مستقل ملی و ضد امپریالیستی و خلقگری از گسترش و تعمیق جنبشهای انقلابی و بهائی بخن خلق های منطقه، تناسب نیروها را در خاور نزدیک، حلیج فارس و اقیانوس هند به خود در گروگون سازد.

پاکستان علت موقعیت جغرافیائی و ماهیت ضد خلقی رژیم آن در نقشه ها و طرح های نظامی آمریکا مورد توجه ویژه قرار گرفته است. از سوی دیگر، طی سالهای اخیر پس از سروری انقلاب های ایران و افغانستان و تحت تاثیر انقلابی این دو رویداد، و نیز در نتیجه جو احتیاق سیاسی حاکم بر پاکستان، جنبش اعتراضی و مقاومت در برابر رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق به اوج سی سابقه ای رسیده و نوظفدهای عظیم رزمکنش و افشار مختلف اهالی کشور را فراگرفته است. حکومت ژنرال ضیاء الحق در راه روان حتمی به سوی همان سرنوشته رژیم محمد، شده صبره چینی کرده اند. برای روز معینی و کار معینی این مطلبی بود که با رها تذکر داده ایم و دنیا نشی بود به بولی شرایط جنگ و شرایط خاص و فرماندهی ایشان و مسائل دیگری مانع اجرای خواست ما و تصمیم ما بود. حجت الاسلام رفسنجانی افزود: "در خود نیروی هوائی اکنون این جو بوجود آمده... که محیط نیروی هوائی از این به بعد سالم بشود".

رنگان رئیس جمهور آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی که در ماه روزه انجام گرفت در مورد روابط آمریکا و پاکستان اظهار داشت که ما توجیه به رویدادهای افغانستان، پاکستان، موضعیت اسرائیلی بسیار مهمی دارد. در این مصاحبه رنگان تاکید نمود که دولت آمریکا با عادل سه میلیارد دلار کمک های نظامی و صلحی در احصار پاکستان خواهد کرد. احصار این سلاح هسته ای برای خود است. احصار این سلاح هسته ای برای خود است. احصار این سلاح هسته ای برای خود است.

رئیس مجلس آنگاه با اشاره به "شروع کار" و "تصمیمات قاطعی که اخذ شده و خدمت امام نیز عرض شد"، گفت: "الان کنترل کامل در سطح فرماندهی و پایگاه های نیروی هوائی و کنترل فرودگاه ها و باندهای نظامی برقرار شده که امیدواریم در جهت خیر این ملت این راه پیش برود". وی آنگاه در خطاب به دولت فرانسه که خود را "مهد آزادی" می داند، کار دولت فرانسه در اعطای پناهندگی به این افراد را "پناهندگی دادن به تروریستها" دانست و تأکید کرد: "ملت ایران از شما نخواهد گذشت". رئیس مجلس آنگاه به این نکته اشاره کرد که فرار بی سر وجهی و رجوع باعث بسیاری سؤال در اذهان جوانان

نان ایران شده است. وی گفت: "آن جوانانی که اسلحه در خانه هایشان جاسازی کرده بودند، الان سؤال می کنند این اسلحه را به فرمان کی بکار ببرند، و کسی که با توطئه مشترک آمریکا، ترکیه، فرانسه و حتماً اسرائیل و ضد انقلاب داخلی این جور حرکت می کند، برای او می شود آدم گنفت؟ این سؤال در مغز جوانان نمی آید؟ اگر نباید خیلی باید بی شعور باشند، و اگر سؤال بیاید، برای این جواب لازم است". وی تأکید بر این کرد: "برای ملت ما بنی صدر با امثال رضا پهلوی تفاوتی ندارد". در مورد انتخاب قبلی وی به ریاست جمهوری گفت: "مردم دیگر اشتباه گذشته را تکرار نمی کنند. مردم اشتباه کردند و اشتباهشان را خیلی زود چیران کردند". رئیس مجلس تأکید کرد: "برای مردم

مجلس در ...
بعقد از صفحه ۳
خواستار صفه نیروی هوائی از عوامل ضد انقلاب شد و تاکید کرد که بر سر انقلاب نیروی هوائی در اس کار سوا به واری دهنده خواهند بود. آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی طی سخنانی بسیار گرم داشت خاطره شهید حجت الاسلام محمد رضا کاتب نمازده فردم شهید و سرگرم داشت خاطره شهادت سرگرد شهرام فرار مسئولان خواست به وضع رزله ردگان کرمان رسیدگی جدی کند، حجت الاسلام رفسنجانی، سپس به ماجرای فرار بی سر وجهی و رجوع به فرانسه پرداخت و بطور مشروح در این مورد سخن گفت. رئیس مجلس شورای اسلامی از جمله گفت: "فرار آن چنانی بنی صدر و قبلیش فرار بوئینگ دیگری به مصر کاملاً نشان می دهد که محیط نیروی هوائی، بی آلوده است. البته این آلودگی چیزی نیست که از جسم ما دور بوده و با ملت ایران نمی دانسته با مجلس نمی دانسته، با رها در این مجلس این حرف زده شده. شخص آقای بنی صدر در این آلودگی سهم عظیمی دارد. همین سرهنگ معزی که حکم اخراجش از سوی دادگاه انقلاب موجود است را آقای بنی صدر نگاه داشته است. امثال سرهنگ معزی فرار کنند، اینها حساب

بلوکهای نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش فعالی دارد. چندین پیش ضیاء الحق به کشور - های حوزه حلیج فارس و ترکیه مسافرت کرد. وی در جریان این مسافرت طرح تشکیل پیمان نظامی در منطقه را که از جانب وزارت دفاع آمریکا تهیه شده است با سران این کشورها در میان گذاشت. طبق این طرح تلاش می شود که یک پیمان نظامی با شرکت عربستان سعودی، سومالی و دیگر رژیمهای وابسته به آمریکا در منطقه تشکیل شود که پاکستان در آن نقش ویژه ای خواهد داشت.

به موازات امپریالیسم آمریکا و کمک های نظامی و تسلیحاتی آن به پاکستان، رهبری مائوئیستی چین نیز در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز در این منطقه نقش مهمی را به عهده گرفته است. طبق گزارش خبرگزاری "پرس تراست آو ایندیا" در ماه های اخیر دیدارهای هیئت های نظامی چین و پاکستان گسترش یافته است. چندین پیش یک هیئت نظامی پاکستان از چین دیدن کرد و یک هیئت نظامی چینی به ریاست کفیل فرماندهی نیروی دریائی چین به پاکستان مسافرت نمود. در جریان این دیدارها و مذاکرات مسئله ایجاد پایگاه دریائی چین در بندر کراچی بررسی شد و خبرگزاری های هند از انعقاد یک قرارداد نظامی محرمانه میان رژیم ضیاء الحق و رهبری چین خبر دادند که ایجاد پایگاه نظامی دریائی چین و پاکستان از جمله مواد این قرارداد است. در گزارش همین خبرگزاریها گفته می شود که تجهیزات نظامی و وسایل فنی این پایگاه را دولت آمریکا تامین خواهد کرد.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و رهبری چین در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی تجاوز و توطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان همه جانبه همکاری دارند. واشنگتن تلاش دارد که پاکستان را به پایگاه نظامی و رژیم ضیاء الحق را به ژاندارم منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جنبه پایداری تبدیل کند و رهبری پکن سعی دارد از پاکستان به مثابه متحد نظامی و پایگاه تجاوز برضد هند و نیز به عنوان همدستی در اجرای نقشه های توسعه طلبانه خویش در جنوب شرقی آسیا استفاده کند. با این وصف، هدف ها و محتوای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پاکستان با اهداف و محتوای سیاست خارجی رژیم ضیاء الحق در هیچ زمینه ای نمی تواند وجه مشترک و هم سوئی داشته باشد. بنده بست سیاسی نظامی پاکستان با امپریالیسم آمریکا و رهبری چین منافع همه خلقها و کشورهای مستقل ملی این منطقه را مورد تهدید جدی قرار می دهد از این رو طبیعی است که همه کشورهای مستقل ملی این منطقه و مقدم بر همه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جنبه پایداری عرب، با گسترش همکاری همه جانبه خویش برای تشکیل جنبه متحد ضد امپریالیستی، در برابر این خطر تدابیر مشخص و جدی اتخاذ کنند.

انقلابی ماسئله انتقام گیری مطرح نیست مسئله، مسئله، یک انقلاب است و یک جریان است که این فرار توانست همه چیز آن را روشن کند، ترس، بی عرضگی، دروغگوئی، شعار بی محتوی و ادعای مقاومت تا آخرین لحظه را... رئیس مجلس آنگاه با اشاره بر این که با این فرار خیلی ما چراها روشن شد" تأکید کرد که: "این فرار بی سر وجهی و رجوعی به اندازه هزار مقاله و کتاب روشن کننده جریانها بود". وی در پایان با تأکید بر این کرد: "هر مسئولی که در این جریان کوتاهی و تسامح کرد، باید به جزای خودش برسد".

و نیز گفت: "در مجموع این عمل به نفع انقلاب بود".

در حاشیه
مردم بازرگان
در جلسه علنی روز ۸ مرداد مجلس شورای اسلامی هنگامی که علم الهدی ناطق قبیل از دستور به فرار امثال نزیه و مقدم فراغهای و بختیار از "مردم بازرگان" اشاره کرد، مهندس مهدی بازرگان اعتراض و با خنده علم الهدی که می گفت: "منظورم شما نبودید"، مواجه شد.

اشتباه بزرگ
حجت الاسلام رفسنجانی پس از پایان سخنان قبیل از دستور حجت الاسلام خلیلی، در جلسه روز ۸ مرداد مجلس، از اقدام وی در دادن حکم آزادی به ۱۵ افسر کودتایچی در دزفول سخن گفت و آن را "اشتباه بزرگ" وی دانست.

راهپیمایی بین المللی صلح

جهان روزهای تب آلودی را میگذراند . مرد بین نیروهای امپریالیسم محتضر و توده های مردمی که تشنه عدالت ، صلح و آزادی هستند در هر جایه شکلی نمایان میگردد . اما شکل هر چه باشد ، محتوای آن یکی است : جهان دیگر تاب نظام فرتوت سرمایه داری را ندارد و دیگر نمی خواهد و نمی تواند به عوارض اقتصادی ، اجتماعی سیاسی و فرهنگی این نظام محکوم به مرگ تن در دهد . در اروپای غربی بیکاری ، تورم ، سابقه تسلیحاتی ، خطر جنگ و در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین فقر ، گرسنگی ، بیماری و هزاران مصیبت دیگر توده های میلیونی را به مبارزه در راه نظامی بهتر برانگیخته است .

ایستادگی خلق های اروپای غربی در برابر سیاست امپریالیستی احیای جنگ سرد شدتی بی سابقه بخود گرفته است . موج تازه سابقه تسلیحاتی که صد میلیارد دلار را در کام خود فرو میبرد و سود سرسام آوری به انحصارات اسلحه سازی میدهد باسادی از مذهب و متون دهنده های مردم اروپای غربی رو به رو شده است . تریاک "خطر شوری" دیگر نمی تواند خلق های اروپای غربی را تخدیر کند ، به ویژه آنکه سل جدید در دوران پیروزی سیاست تشنج زدانی به عرصه رسیده است و برای تبلیغات زهر آلود امپریالیستی گوش شنو ندارد . میلیونها جوان در اروپای غربی بیکارند و حکومت های کشورشان بجای کار به آنان وعده "مرگ اتمی" می دهند . استقرار قریب ۶۰۰ موشک آمریکائی در خاک اروپای غربی به سهانه رویارویی یا برتری نظامی شوروی با اعتراض عمومی خلق های اروپای غربی و بخصوص جوانان رو برور شده است راهپیمایی بین المللی صلح ، که در ۳۱ خرداد از کینشاک آغاز شد و در هفته آینده (ششم اوت روز بمباران هیروشیما) در پاریس پایان خواهد گرفت ، یکی از مهم ترین تظاهراتی است که جوانان کشورهای اروپای غربی به عنوان اعتراض نسبت به استقرار موشک های آمریکائی در اروپای غربی برپا کرده اند . جوانان و حتی برخی از میان سالان و سالخوردهگان ، گاهی دست در دست فرزندان و همسران خود ، در مسیر ۷۰۰ کیلومتری این راهپیمائی ، از جاده های آلمان غربی ، دانمارک ، هلند ، بلژیک و فرانسه گذشتند و در هر یک از این کشورها در برابر مقر سازمان های نظامی (از جمله در برابر ستاد ناتو در بلژیک) میتینگ های پر عطشی تشکیل دادند . رسانه های گروهی غرب که در انحصار سرمایه داران بزرگ و طراحان سابقه مسلحاتی هستند و حتی خبر همجنس باری فلان ستانور آمریکائی و یا لرد انگلیسی را با آب و تاب منتشر میکنند ، درباره این حادثه صمیمی ، که صد ها هزار نفر در آن شرکت دارند ، مهربانیت بر لب زدند .

حالت است که زنان و این آفرینندگان حیات متکبران راهپیمائی بودند و در تمام طول مسیر نیز شرکت آنان در راهپیمایی چشمگیر است . گروهی از رجال و شخصیت های برجسته سیاسی ، سندیکائی ، مذهبی نیز در این راهپیمایی شرکت کرده اند . عده ای از نمایندگان پارلمان اروپای غربی ، از احزاب کمونیست ، سوسیالیست و سوسیال دمکرات نامه سرگشاده ای در تائید راهپیمائی صلح منتشر کرده اند .

راهپیمائی بین المللی صلح تنها یکی از اشکال اعتراض جوانان کشورهای اروپای غربی علیه سیاست جنگ افروزان و تشنج فزایی امپریالیسم است . مبارزه جوانان با این سیاست به اشکال

تفسیر وقایع مهم جهان

دیگر از جمله امضای طومارهای چندین هزار نفری ، تظاهرات محلی و غیره ادامه دارد . مبارزه در راه صلح جزئی از مبارزه وسیع تری است که زحمتگشان اروپای غربی علیه مجموعه نظام سرمایه داری انجام می دهند . اما سرمایه داران حاضر نیستند مواضع خود را بسادگی از دست داده صحنه را ترک کنند . هر قدر فشار توده های مردم برای ریشه کن کردن این نظام منحنی بیشتر میشود ، مقاومت سرمایه داران نیز سرسخت تر و خونین تر میشود . امپریالیست های حاضرند دنیا را به خاک و خون بکشانند ، اما کیسه های پول خود را از دست ندهند . واشنگتن ستاد امپریالیسم جهانی ، برای حفظ موجودیت این نظام مستقر طرح میریزد .

دکترین ریگان

روسای جمهور آمریکا هر یک دکترینی یا خود میاورند و همه "این دکترین" ها یکی پس از دیگری با شکست مفتضحانه رو برو میشوند . دکترین آیزنهاور ، دکترین جانسون ، دکترین نیکسون ، دکترین کارتر و بالاخره دکترین ریگان همه در یک جمله خلاصه میشود : استفاده از زور برای تحمیل سلطه امپریالیسم آمریکا بر جهان .

شکست ها نیز درسی به امپریالیست های آمریکائی نمی دهد و نمیتواند بدهد ، زیرا سیاست زورگویی از خصلت امپریالیسم سرچشمه میگردد . البته امپریالیسم تا آن حد میتواند زور بگوید که زورش میرسد . اما اغلب طراحان سیاست های امپریالیستی میزان زور خود را بدرستی تشخیص نمی دهند و به همین دلیل هم بی دردی با شکست مواجه میشوند . بهر حال ، ریگان هم دکترین خود را به میان آورده است . این دکترین بر پایه "تهیه" مقدمات دو جنگ ، یکی در اروپا و دیگری در خاور میانه و خلیج فارس پی ریزی شده است . استقرار موشک های آمریکائی در خاک اروپای غربی و ایجاد یک فرماندهی مستقل در خاور میانه و خلیج فارس ، به عنوان مهم ترین عناصر این دکترین در نظر گرفته شده است . در هر دو مورد بهانه رویارویی با قدرت روز افزون نظامی شوروی است ، که کویپاتی بیست سال اخیر به سرعت افزایش یافته و توازن قوا را در هر دو منطقه بر هم زده است . اما اگر از جنبه های صرفا اقتصادی دکترین ریگان ، که افزایش تولیدات جنگی را به سود انحصارات اسلحه سازی بگانه راه خروج از بحران همه گیر سیستم سرمایه داری میداند ، صرف نظر کنیم و به جنبه های اجتماعی و سیاسی این دکترین توجه کنیم ، می بینیم که هدف از این طرح های نظامی قتل از هر چیز تهیه مقدمات لازم برای سرکوب جنبش های کارگری در اروپای غربی و جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه خاور میانه و خلیج فارس است ، منطقه ای که آستان انفجار های انقلابی است ، که میتواند شاهرگ حیاتی امپریالیسم را قطع کند و مرگ ناگزیر آن را تسریع کند . فرماندهی جدید آمریکا در منطقه خاور -

میانه و خلیج فارس بر پایه نیروهای واکنش سریع تشکیل شده است . حدود جغرافیائی این فرماندهی جدید از یکسو پاکستان و از سوی دیگر مصر را در بر میگیرد . فرماندهی جدید دارای نیروهای هوائی ، دریائی ، زمینی و موشکی مخصوص به خود خواهد بود . بخشی از این نیروهای زمینی در خود آمریکا و بخشی دیگر در منطقه در پایگاه های آمریکا مستقر میشوند . ستاد فرماندهی دریکی از کشورهای "دوست" فعالیت خواهد کرد . شمار این نیروها به ۳۲۵ هزار (حتی به گفته برخی از محافل پنتاگون ، که در مطبوعات آمریکا انعکاس یافته است به ۶۰ هزار نفر) افزایش خواهد یافت . ترکیب این نیروها و تجهیزات و سلاح های آنها طوری انتخاب شده است که با تجربه گیری از انقلاب ایران بتوانند جنبش های توده ای را به سرعت سرکوب کنند . علاوه بر تانک و هواپیما و غیره توجه خاصی به هلیکوپتر و زره پوش های چرخدار و به ویژه سلاح های شیمیائی مبدول شده است . استفاده از سلاح های شیمیائی میتواند دهها هزار نفری را که مجهز به وسایل دفاعی مخصوص نیستند ، در ظرف چند دقیقه و حتی چند ثانیه ، بکلی از میدان بیرون کند .

بین فرماندهی جدید آمریکا در منطقه خاور میانه و خلیج فارس و کشورهای "دوست" در منطقه ، بویژه اسرائیل ، مصر ، پاکستان و عربستان سعودی همکاری نزدیک سیاسی - نظامی برقرار خواهد شد . اسرائیل همچنان نقش متحد اصلی امپریالیسم آمریکا را در منطقه به عهده خواهد داشت . امپریالیست های آمریکائی از این متفق وفادار خود برای اعمال فشار بر کشورهای عرب عضو جنبه پایداری ، تفرقه افکنی بین خلق های منطقه و دامن زدن به بحران های مصنوعی برای تیرنه حضور نظامی خود و استقرار نیروهای تازه در منطقه استفاده میکنند .

اسرائیل سگ زنجیری امپریالیسم در منطقه

حملات وحشیانه اسرائیل به مردم بی دفاع لبنان و پناهندگان فلسطینی ، بیش از آنکه هدف نظامی داشته باشد ، دارای هدف های سیاسی است هدف هایی که در ارتباط نزدیک با امپریالیسم آمریکائی تعیین و اجرا میگردد . اگر بتوان برای روپهان صهیونیست هنری قائل شد ، هنر تفرقه افکنی در میان دشمنان خویش است . صهیونیست های اسرائیلی توانسته اند با استفاده از تمام نقاط ضعف فردی و اجتماعی دشمنان خود از تشکیل جنبه واحداً آنان برضد خود جلوگیری کنند . در تل آویو انستیتوی مخصوصی وجود دارد که در آن به اصطلاح بزرگترین "مغزهای متفکر" اسرائیل گرد آمده اند و برای مسائل سیاست جهانی امپریالیسم طرح میدهند . اینک باید در صفوف دشمنان تفرقه افکنند و از این تفرقه استفاده کرد ، اصل مسلمی است که از هزاران سال پیش بر طبقات

دارند ، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بی شمار دولت آمریکا موضعی خصمانه گرفته و به فکر اشکال تراشی و تفرقه اندازی که به سود دشمنان کشور است نباشند . (امام خمینی - ۱۳۵۸)

تمام مطلب در این جمله کوتاه امام توضیح داده شده است توضیح داده شده است که اشکال تراشی در راه وحدت نیروهای راستین انقلابی ، تفرقه اندازی بین آنها ، ایجاد محدودیت در فعالیت آنها به سود دشمن است ، نه بسود انقلاب . توضیح داده شده است که وحدت نیروهای دارای عقاید مسلکی و سیاسی و مذهبی مختلف علیه دشمن ، نه فقط ممکن ، بلکه لازم است . تا کیست شده است که این دشمن آمریکا (امپریالیسم به سرکردگی آمریکا) است و همه نیروهای انقلابی ، قطع نظر از تفاوت های عقیدتی ، سیاسی و مذهبی میتوانند و باید حول محور مبارزه با این دشمن گرد هم آیند و با هم متحد شوند .

امام ، همانطور که در همین جمله اشاره شده ، مکرر این نظر خود را اعلام داشته اند ، ولی معلوم نیست چرا هنوز هم برخی از نیروهای راستین انقلابی مسلمان پیرو خط امام ، آنرا نادیده می گیرند ، برای دیگر نیروهای انقلابی به دلیل و یا به بهانه تفاوت در عقاید ایدئولوژیک آنها باخوشتن ، محدودیت هایی در فعالیت انقلابی بوجود می آورند و در راه اتحاد و نیروهای انقلابی اشکال تراشی میکنند .

اینان با این عمل خود ناخواسته در صف آن عناصر مشکوکی قرار میگیرند که عالمانا "چوب لای چرخ جریان اتحاد نیروهای انقلابی" میگزارند و ضمناً خواسته بهترین پوشش را برای این عناصر

حاکمه غارتگر و ستمگر روشن بوده است . اما آنچه "این مغزهای متفکر" می یابند شیوه های موثر این تفرقه افکنی بر اساس اطلاعات وسیع از وضع جامعه و تمایلات فردی و اجتماعی در کشورهاست . سیاست تفرقه افکنی آنان به ویژه به دلیل وجود رهبرانی خائن و خود پرست ، مانند سادات ، صدام و غیره در کشورهای عرب شمربخش تر بوده است ، یعنی بگین ها ، سادات ها و صدامها از دو سو به هدف واحد میرسند . اسرائیل بر سر لبنان و پناهندگان فلسطینی بعب میریزد ، تا اختلاف بین فلسطینی ها و لبنانی ها ، سوری ها و لبنانی ها ، سعودیها و سوریها ، مسیحیان راستگرا و نیروهای چپ فلسطینی و غیره را تشدید کند و آنها را به جان یکدیگر بیندازد و در ضمن دست و پا آل آمریکائی ها را برای توسعه حضور نظامی خود در منطقه بازتر کند . سادات و نمیری گناه بحران لبنان را به گردن سوریها می افکنند و از سوریها میخواهند که موشک های دفاعی خود را از لبنان خارج کنند و به فلسطینی های پیش نهاد میکنند که با اسرائیل مستقیماً وارد مذاکره شود . عربستان سعودی سیاست دو رویانه و زورورانه خود را که در گفتاراز "مجازات" اقتصادی آمریکا میزند و در کردار کوچکترین گامی در جهت اعمال فشار بر اسرائیل و متحدانش برنماید ، ادامه میدهد .

اگر حماقت و خیانت کسانی چون صدام و سادات و خالد و غیره نباشد ، سیاست تفرقه افکنی اسرائیل نیز تاثر چندانی نخواهد داشت برای اینکه خلق های منطقه نتوانند خطر مداخله امپریالیستی آمریکا و اسرائیل ، نیروی ضربتی آن را خنثی کنند ، باید جنبه واحد ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خود را تشکیل دهند و به اتکا به نیروهای خلقی و انقلابی سراسر جهان ، پای غارتگران بین المللی را برای همیشه از خاک کشورهایشان کوتاه کنند . بگانه راه نیل به این وحدت نیز انقلاب است . انقلاب برای سرنگونی رژیم های خیانت پیشه ای که صدام و سادات و خالد در راس آنها نشسته اند .

سادات در ماتم مرگ شاه ملعون

خبرگزاری ها اطلاع دادند که سادات استراحت خود را در کاخ ساحلی مدیترانه اش تمام گذاشته و برای شرکت در سالروز مرگ محمد رضا پهلوی شاه مدفون ایران به قاهره بازگشته است . دوستی سادات و شاه سابق ایران حلقه واسطه ای داشت و آن کیسینجر بود . پیمان دوستی آنان با تعهد خدمت به ارباب مشترکشان - امپریالیسم آمریکا امضاء شد . اکنون نیز سادات به این پیمان وفادار مانده است . روزنامه الوطن العربی ، چاپ پاریس ، نوشت که در نزدیکی قاهره اردوگاهی از چند هزار فراری ایرانی ، شامل افسران و افراد ضد انقلابی برپاست ، که در آن مریدان آمریکائی به آنان فن "بازگشت" به ایران را تعلیم میدهند . رضا پهلوی ، که اکنون خود را "شاه ایران" در تبعید میداند ، گاه گاه از این اردوگاه بازدید میکند . قیافه سادات که در مراسم سالروز مرگ شاه ملعون در کنار "شاه در تبعید" ایستاده بود ، از هر زمان دیگر نفرت انگیز تر بود . شرکت سادات در این مراسم توهین آشکار به خاطره تابناک دهها هزار شهیدی است که جان های پاک خویش را در مبارزه برضد رژیم سفاک پهلوی فدا کردند . سادات با این حرکت رسوای خویش به انقلاب بزرگ مادمین کجی میکند ، و از خیانتکاری چون او بیش از این نمیتوان توقع داشت .

مشکوک فراهم میکنند ، زیرا عناصر مشکوک ، به کمک پوشش مسلمان - نمائی آشتی ناپذیر با دیگر ایدئولوژی ها ، میتوانند خود را انقلابی جا بزنند و به کار تخریب در اتحاد نیروهای انقلابی بپردازند .

الجنه موکدا باید گفت ، طی دو سال ونیمی که روند پیشرفت انقلاب جریان دارد ، روند دوست شناسی ، یعنی شناخت دوستان انقلاب ، شناخت نیروهای راستین انقلابی نیز ، گرچه کندتر از روند دشمن شناسی ، ولی به هر حال پیشرفت محسوس داشته است . اکنون دیگر برخلاف روزها و حتی ماه های پس از پیروزی انقلاب ، که حتی "لیبرال های مسلمان نما" انقلابی به حساب می آمدند و نیروهای مخالف آنان "بیگانه" پنداشته میشدند ، امروز دیگر نه فقط مسلمان نماهای لیبرال و مارکسیست نماهای بیکاری ورنجبری و دیگر مارکسیست های آمریکائی و یا خلقی نماهای "مجاهد" در جنبه واحد ضد انقلاب قرار گرفته و شناخته شده اند ، بلکه نیروهای روشن بین انقلابی مسلمان پیرو خط امام ، در جریان عمل به مراتب بهتر از گذشته

به شناخت صداقت انقلابی نیروهای راستین انقلابی ، قطع نظر از تفاوت های عقیدتی و سیاسی و مذهبی آنها دست یافته اند ، و این خود زمینه وحدت عمل و امکان اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی را در جنبه مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی فراهم کرده است . تبدیل این امکان به واقعیت ، رفع محدودیت هایی که بر سر راه فعالیت برخی نیروهای راستین و صدیق انقلابی وجود دارد ، تحقق انسجام و فشرده صفی تمام نیروهای انقلابی رزمنده - قطع نظر از تفاوت های عقیدتی و مسلکی آنها - وظیفه انقلابی مهمی است که همه نیروهای انقلابی راستین ، به ویژه پیروان روشن بین خط امام امروز باید بیش از پیش در انجام آن همت گمارند .

شناختن دوستان

بقیه از صفحه ۱

بنابه گفته امام ، آمریکا همه نوعش را دارد ، از جمله : ملی گرا ، مذهبی و نیز معمم . اینان زیر نقاب مسلمان دوآتشه عمل می کنند و کارشان تر اشدین دشمن موهوم برای "منشی کردن آمریکا" و نیز ایجاد تفرقه در میان نیروهای راستین انقلابی است . ساده اندیشی خواهد بود اگر تصور شود که دیگر نیروهای راستین انقلابی حاکم از عناصری نظیر امیران نظام ها و یا روحانیونی نظیر آن روحانیونی که در کودتای نوژه شرکت داشته اند ، بکلی پاک شده است .

علت موثرتر دیگری که باعث جلوگیری از انسجام کامل نیروهای راستین انقلابی و اتحاد عمل مستقیم جز و فعال تر آنها است ، وجود قشری در نیروهای راستین انقلابی مسلمان است که تصور میکنند ، و صادقانه تصور میکنند ، که هر کس همه عقاید آنها را از جمله در عرصه ایدئولوژی ، عقیداتی کم و کاست قبول نداشته باشد ، انقلابی نیست و حتی ضد انقلابی است . اینان با صداقت تمام زبان بزرگی به انسجام نیروهای راستین انقلابی وارد می کنند . اینان خود را صادقانه در خط امام میدانند ، ولی هرگز توجه لازم به توصیه های مکرر امام نکرده و نمی کنند که صاحبان عقاید مسلکی و سیاسی و مذهبی گوناگون ، در صورتیکه برضد دشمن اصلی - آمریکا مبارزه صادقانه و آشتی ناپذیر کنند ، میتوانند و باید متحد شوند و وحدت عمل داشته باشند .

من برای چندمین بار تکرار میکنم که در این امر حیاتی ترش های ملت با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی و مذهبی که

تجربیات سودمند لیبی در زمینه دولتی کردن بازرگانی خارجی و ملی و تعاونی کردن بازرگانی داخلی

بهار امسال معمر قذافی، رهبر انقلاب لیبی، دو فروشگاه بزرگ شش طبقه را که هر یک به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع مساحت دارند، در طرابلس افتتاح کرد. این دو فروشگاه بیانگر دگرگونی‌های عمیقی است که در بازرگانی لیبی در دوران گذشته پدید آمده است. در پائیز ۱۳۵۷، پس از آنکه بخش بزرگی از بازرگانی خارجی دولتی شد، کارزار وسیعی نیز علیه بازرگانی خصوصی آغاز گردید، که با توجه به ساختار اجتماعی کشور، چون لیبی، دارای اهمیت اقتصادی و سیاسی به سزای بود. در آن هنگام مطبوعات لیبی بازرگانی خصوصی را "پدیده‌های انگل وار، مغایر با جامعه سوسیالیستی، استثمار فرین و" سدی در راه تبدیل لیبی از جامعه‌ای مصرفی به جامعه‌ای تولیدی خواندند و محکوم کردند. همچنین به این واقعیت اشاره شده که، در حالی که لیبی برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی خود به کارگر احتیاج فوری دارد، ۴۵ هزار کارگر بالقوه در بخش بازرگانی مشغول هستند. مطبوعات لیبی برای حل این معضل ایجاد فروشگاه‌های دولتی و تعاونی را پیشنهاد کردند.

نخستین گام در این راه نظارت دقیق بر قیمت‌ها بود. فروشنده‌گان مجبور گردیدند که قیمت کالاها را به گونه‌ای مشخص سازند، متخلفان به دادگاه‌ها سپرده می‌شدند و نام آنها در مطبوعات انتشار می‌یافت. در ادامه‌ای چون لیبی، صرف نظر از مجازات‌های نقدی، حکومت اخلاقی فروشنده‌گان دارای اهمیتی فراوان است.

در سال‌های ۵۹-۱۳۵۸ برای سراسر بازرگانی خارجی بنگاه‌های دولتی واردات اساس و در زمینه بازرگانی داخلی شبکه وسیعی از فروشگاه‌های دولتی و تعاونی احداث شد. این تعاونی‌ها از رزحمتگان شاخه‌های اقتصادی و کارخانه‌های بزرگ تشکیل می‌گردند، اما دیگر شهروندان و حتی اشخاص خارجی مقیم لیبی نیز می‌توانند به این تعاونی‌ها بپیوندند. در پایان سال ۱۹۸۰، در

لیبی ۱۱۵۸ تعاونی مصرف وجود داشت، که ۳۳۴۰۰۰ عضو را در برمی‌گرفت. مراکز فروش دولتی از یکسو فروشگاه‌های معمولی هستند و از سوی دیگر، "مراکز توزیع ویژه، که بر نظر مستقیم بنگاه‌های دولتی واردات فعالیت می‌کنند. بر پایه گزارش‌های رسمی، در آغاز بهار امسال ۲۲۵، فروشگاه دولتی در لیبی وجود داشت. افزون بر این ۳۰۱۰ فروشگاه دیگر در دست ساختمان است.

با کاهش تعداد واسطه‌ها قیمت‌ها بسی پائین آمد. بسیاری از واسطه‌های محترم از کسب و کار منع شدند. براندازی ریشه‌ای بازرگانی خارجی و بخش بزرگی از بازرگانی داخلی نخست با کمبودهای چندین‌همراه بود. از آنجا که تنها بخش محدودی از فروشنده‌گان خصوصی می‌توانست در فروشگاه‌های دولتی استخدام شوند، در این زمینه نیز کاستی‌هایی از نظر کارکنان پدید آمد. هنوز شماره کسانی که مدارس حرفه‌ای بازرگانی را گذرانده‌اند به مراتب کمتر از نیاز است. از آنجا که لیبی همچنان به واردات وابسته است و ظرفیت بنادر آن اندک، امکانات ترابریش بسیار محدود و گنجایش انبارهای آن ناکافی است (تاکنون تنها ۱۹۷۰ مترمربع دشتوارهای فروانی از این جهت نیز پدیدار شده است. هر چند در اواسط دیماه سال ۱۳۵۹ "دبیرخانه اقتصادی و بازرگانی لیبی" قراردادهایی درباره ایجاد انبارهای جدیدی به ظرفیت ۱۷۶۴۲۵ مترمربع منعقد ساخت، ولی روشن است که اتمام این پروژه وقت می‌طلبد.

بنگاه‌های بازرگانی همچنین به علت آنکه برخی از مردم پرزاد دولتی کردن بازرگانی دست یازیده‌اند و به خرید و ذخیره خواربار اقدام کردند، با دشواری‌هایی چند روبرو گردیدند. با توجه به وابستگی لیبی به واردات، تورم جهان سرمایه‌داری گریبانگیر اقتصاد این کشور نیز شده است. (دو سال پیش نرخ تورم در این کشور ۲۵ درصد بود) اما مصرف مردم لیبی، به علت درآمد نسبتاً بالای آنها، چندان کاهش نیافت.

تعیین قیمت در بخش‌های دولتی و تعاونی بسیار ساده است. این قیمت معمولاً از قیمت واردات به اضافه گمرک و به اضافه ۲۰-۱۵

کارنامه ابوالحسن ...

پیوسته از صفحه ۱

توقان سراسر ایران را در نوردید و توده‌ها بیکار چدره سرسراک پهناور میهن ماهه خیابان-ها آمدند و آن رانایید کردند. برای سیاست ساز نگاری جورا ابوالحسن بنی صدر غرضی از این طلای تریپید امیضه، اودون درنگ به تا ناید این عمل پرداخت:

"... اشغال سفارت آمریکا نشانه کمال هشیاری مردم ما و بیانگر قاطعیت نسل جوان امروز کشور در دفاع از استقلال کشور و انقلاب خویش است... (۱۴ بان ۵۸-ار کتاب صد مقاله بنی صدر- جلد دوم)

"... اشغال سفارت آمریکا، عملی غیر از عمل یک گروه کوچک، برای یک مقصد معین است. این عمل اعتراض تمامی یک ملت است. شأناناز نیست. اعتراض است، اعتراض به سیاست و برانگیزی که طی سی سال در ایران عمل کرده است و هنوز نمی‌گذارد مردم ما خود بر سر نوشت خویش حاکم شوند... (همان جا)

اما اگر توجه داشته باشید، او در دل همین حملات نیز جای برای اعتراض هادرنهایت محکوم کردن این عمل باز گذاشته است. بنی صدر او را دانشجویان مبارز و مسلمان پیرو خط امام را که عمل شان، بنا به گفته ام خمینی، باعث سرفرازی ملت شده، یک گروه کوچک "خواند، تا بعد بتواند "بچه و" از این اشخاص "خطایشان کند، تا نایب از مقصد معین صحبت کرد، تا بازم درآینده با کوبیدن آن "مقصد معین" پیروان خط امام را یکپود بر اساس همین سیاست بود که بنی صدر پس از مدتی از این شاخه بیان شاخ پریدن برای استفاده از های نیروی و تدبیر سفارت را از "گروگانگیری" جدا کرد و اعلام داشت:

"... از روزی که دانشجویان به سفارت آمریکا به تریگونیم یکی از مراکز مهم حکومتی و جاسوسی آمریکا در جهان وارد شده‌اند، دستگاه‌های تبلیغاتی، تبلیغات رسانه‌ای و... به راه انداخته‌اند... (۱۹ بان ۵۸-ار کتاب صد مقاله جلد دوم)

بنی صدر این موضع راتا وقتی که رئیس جمهور شد- ۷ بهمن ۱۳۵۸- حفظ کرد. وقتی نزدیک به ۱۱ میلیون رای به دلایل مختلف، و از جمله به دلیل حمایت‌های کارانه او از اشغال "لانه جاسوسی"، او را به مقام ریاست جمهوری رساند، بنی صدر بلافاصله تغییر موضع داد:

"... من از ابتدا با گروگان گرفتن مخالف بودم... رفتن دانشجویان به سفارت یک امری و گروگان گرفتن امر دیگری است... (۲۷ بهمن ۵۸-مصاحبه بنی صدر با اطلاعات)

این تغییر موضع، با استفاده از سیاست مویانه‌ای که قبلاً توسط بنی صدر اتخاذ شده بود، در حساس‌ترین شرایط بعد از انقلاب انجام می‌شد.

اینک- ۲۷ بهمن ۵۸- ۴ ماه می‌شد که صفوف پیوسته مردم از سراسر ایران به تهران می‌آمدند، تا در مقابل "لانه جاسوسی" از عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمایت کنند. فریاد "مرگ آمریکا" که از مقابل لانه جاسوسی بر می‌خواست، سراسر ایران را پر کرده بود. جهان به این خشم توفنده "ضد-آمریکایی" خیره شده بود. و ماجرا به همین جا ختم نمی‌شد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام پهبایی دوستان و جاسوسان آمریکا را در ایران، بر اساس اسناد بدست آمده، افشا می‌کردند. پنهان سازش و تسلیم روی آب افتاده بود. امروز نیز به روز بعد مقدم مراغه‌ای، بعد مدنی، سپس میرانتظام و... و این رشته دراز سرانجام به بنی صدر می‌رسید.

انکون بزرگترین خدمت به امپریالیسم آمریکا سست کردن پایه این خروش، یعنی اشغال لانه جاسوسی، و بی اعتبار کردن عاملان آن، یعنی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود. این خدمت همچنین شامل دوستان داخلی امپریالیسم آمریکا و جاسوسان آن هم می‌شد. بی اعتبار کردن اشغال "لانه جاسوسی" و اسناد مانع از آبروریزی بیشتر "آقایان" می‌شد. انجام این خدمت درست در همان روزهایی که حبیب لیبیرال‌ها به هوا بلند شده بود به عهده بنی صدر افتاد. بی گمان تاریخ روشن خواهد کرد که او در همکاری مستقیم با آمریکا در این نقشه شرکت داشت و بر اساس "کیش شخصیت بنی صدر" جاسوسان رنگارنگ امپریالیسم "من" او را به همان جاسوسی بر دند که دشمن اصلی خلق های جهان می‌خواست به هر حال نتیجه یکی بود.

به حساب امپریالیسم آمریکا و اریز میشد. لیبیرال‌ها که دیگر بعد از طلاقات با برزیل تکی به رحمت می - کوشیدند تنم آبروشان را حفظ کنند. این بنی صدر بود که به فاصله‌ای کمتر از یک ماه، ۱۱ میلیون رای را به دلایل گوناگون به خود اختصاص داده بود، هنوز اکثریت مردم گمان می‌بردند که وی در خط امام است هنوز ماسکش را پس زده بود، و مهم تراز همه او بالاترین مقام اجرائی کشور، یعنی اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران بود. چه کسی بهتر از او می - توانست به باری امپریالیسم آمریکا بشتاید؟ هیچ - کس فقط خودش. و او هم تردید نکرد. وظیفه بنی صدر چیزی جز کوچک کردن مسئله "گروگان گیری" نبود. خود شهم اعتراف می‌کرد:

"... برنامه این بود که مسئله شاه را یک مسئله اصلی کنم و به تدریج مسئله گروگان‌ها یک مسئله فرعی و کوچک شود و در این خط عمل می‌کردم و می - رفتم. نتایج خوبی هم گرفته بودیم... (کیهان- ۱۱ دیماه ۱۳۵۸)

بنی صدر اجرای این سیاست را در روز بعد از اینکه رئیس جمهور شد، چنین آغاز کرد:

"... بر ماست که شجاع باشیم، صریح باشیم انقلابی باشیم و یکویم که اینگونه لجن مال کردن - ها، اینگونه سند در رادیو و تلویزیون خواندن‌ها و افتخاری‌ها، و بلافاصله به خانه افراد ریختن‌ها، نه تنها با اسلام نمی‌خورند، زمینه را برای استبداد فراهم می‌آورد... (۴ بهمن ۱۳۵۸-ار کتاب صد مقاله- جلد دوم)

بنی صدر البته در حد حرف نماند، روز ۱۶

بهمن ۱۳۵۸، وقتی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اسناد ارتباط میناچی وزیر اطلاعات دولت موقت را با آمریکا افشا کردند، دادستان انقلاب اورادستگیر کرد. دستگیری میناچی، که نوبت اقدامات انقلابی آینده را در مورد دوستان آمریکا می‌داد، سخت برای لیبیرال‌ها کار تمام شد. آن‌ها با فریادهای خود گوش فلک را کردند. مهندس بازرگان گفت:

"... عمل این آقایان بسیار عمل ضد اسلام و ضد قانون است که یک طرفه می‌بینند و چیزهایی را به قول خودشان افشا کنند و تهمت‌های ناروایی بزنند... این عمل بسیار عمل زشت و خلافی است که... همه این عمل آن مخالف هستند و عمل آنها ضد-انقلاب، اسلام، امام و ضد همه چیز است... (۱۷ بهمن ۱۳۵۸- کیهان)

و بنی صدر با او و بقیه لیبیرال‌ها هم صدا شد: "دانشجویان خود کامه عمل می‌کنند و حکومت در حکومت به وجود آورده‌اند... و وقتی مملکت امنیت قضایی نداشته باشد با هرج و مرج روبرو خواهد شد... این‌ها (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) حتی احترام شورای انقلاب را نگه نداشته‌اند که بگویند چنین گزارش‌هایی هست... (کیهان ۱۷- بهمن ۱۳۵۸)

و بعد، ابوالحسن بنی صدر، به عنوان اقدام در مقام ریاست جمهوری، میناچی را آزاد کرد. و از این پس تلاش‌ها، برای گرفتن "گروگان‌ها" از دانشجویان و تحویل آنها به دولت آغاز شد. فقط بعدها معلوم شد که این تلاش یا هماهنگی کارتر انجام شده است.

درست بعد از اینکه میناچی آزاد شد و بنی صدر در مقام ریاست جمهوری، با استفاده از اکثریت لیبیرال‌های شورای انقلاب، توانست بخش افشاکری دانشجویان را از رادیو و تلویزیون ممنوع کند، تلاش بنی صدر برای تحویل گرفتن "گروگان‌ها" آغاز شد. او به مخبر لوموند گفت:

"... مخبر لوموند سؤال نمود آیا شما در نظر دارید که گروگان‌ها را از کنترل و حفاظت دانشجویان خارج نموده و حفاظت از آنان را به مقامات مسئول دولتی بسپارید؟

بنی صدر گفت وی شخصاً مایل است مراقبت از گروگان‌ها از عهده دانشجویان حاضر در سفارت خارج شود و به عهده دولت گذاشته شود... (کیهان- ۲۳ بهمن ۱۳۵۸)

و به این ترتیب بنی صدر فعالیت را آغاز کرد و بلافاصله راه را برای تأیید اختلاف نظر خود با امام خمینی باز گذاشت:

"... بنی صدر در پاسخ به این سؤال که امام خمینی فرموده‌اند که شاه را تحویل ایران ندهند، ما گروگان‌ها را آزاد نمی‌کنیم، اظهار داشت بر فرض امام خمینی چنین نظری داشته باشند، نظرایشان اجرا خواهد شد و این مانع از آن نخواهد بود که من نظر دیگری داشته باشم... (کیهان- ۲۷ بهمن ۱۳۵۸)

و درست از روز بعد، کمیسیون به نام "کمیسیون رسیدگی به جنایات شاه" راهی ایران شد. فقط بعداً معلوم شد که نام اصلی این هیئت "سیا" ساخته "کمیسیون آزاد کردن گروگان‌ها"

درصد هزینه تشکیل می‌گردد. افزون بر این، دوازده کالای عمده غذایی سهمیه بندی شده است.

البته قشر کسبه در برابر اقدامات نامبرده مقاومت نشان داد و از برخی از کاستی‌های سیستم به سود خود استفاده جست. عده‌ای محترم و سودجو برای بی اعتبار کردن بخش‌های دولتی و تعاونی و مقابله با آنها، احتکارات گسترده‌ای را سازمان دادند و به رونق بازار سیاه کمک رساندند. دولت برای مبارزه با اینان یکسال پیش بیکاره به تعویض پول مبادرت ورزید.

بازار سیاه در لیبی هنوز بکلی از بین نرفته است. با اشاره به این واقعیت بود که معمر قذافی چندین‌بار پیش "نیروهای سیاسی بیدار و فعال کشور" را فراخواند تا با این "آخرین بازمانده‌های جامعه" استثماری به بیکاری آمان "بپردازند".

چنین می‌نماید که بخش‌های دولتی و تعاونی در لیبی تا آن اندازه تحکیم یافته است، که "دبیرخانه اقتصادی و بازرگانی لیبی" اعلام داشته است که، تا اوایل دیماه ۱۳۶۱، بازرگانی خصوصی در این کشور بکلی از بین خواهد رفت.

"امپریالیست‌ها که اینقدر درباره حقوق بشر دم می‌زنند، خود بزرگترین خطر برای بشر به شمار می‌روند و به خشونت‌ناپذیرترین گونه حقوق انسان‌ها را پایمال می‌کنند. آنها مدعی مبارزه با " تروریسم بین المللی هستند، در حالیکه تبهکارانه در راه نابودی جنبش آزادی بخش ملی می‌کوشند. (امپریالیست‌ها) میان تروریسم منفور جهانیان و بیکاره عادلانه خلق‌ها در راه آزادی خود علامت تساوی می‌گذارند..."

کشور من عزم را سرخ دارد که با استعمار سنتی و نواستعمار، علیه صهیونیسم نژادپرست و ارتجاع به سستیزه برخیزد، راما آزادی و رهایی قطعی از بندهای داخلی و خارجی را به پیماید و استقلال ملی خویش را تحکیم بخشد." (از سخنرانی معمر القذافی در سفر اخیر او به اتحاد شوروی)

بوده است. به محض ورود کمیسیون، صادق قطب - زاده اعلام کرد:

"ایران با تشکیل کمیسیون بین المللی موافقت کرد... (کیهان - اول اسفند ۱۳۵۸) و بنی صدر هم:

"... بنی صدر رئیس جمهور ایران موافقت رسمی خود را در این مورد به والد‌هایم مخابره کرده است... (همانجا)

و قطب زاده، که به تازگی از سفر به فرانسه و ایتالیا (همان سفر که طی آن با هامیلتون جردن، نماینده کاخ سفید، ملاقات کرد) بازگشته بود، در همان روز منشاء تشکیل کمیسیون را اعلام کرد:

"در این سفر تنها مسئله تشکیل کمیسیون تحقیق درباره جنایات شاه مورد توجه بود. این مسئله در یک ارتباط سه گانه بین والد‌هایم، آقای بنی صدر و من مورد بحث بوده است... بعداً معلوم شد که تشکیل کمیسیون و آمدن

آن به ایران دقیقاً نقشه‌ای بوده که با واسطه قطب - زاده، بین بنی صدر و آمریکا (از طریق والد‌هایم) روی آن توافق شده، تا "گروگان‌ها" آزاد شوند. البته در همان روز نشریات امپریالیستی اصل قضیه را فاش کردند. خبرگزاری آمریکایی یونایتد پرس خبر زیر را مخابره کرد:

"این کمیسیون که به شکایت ایران علیه دخالت آمریکا در جنایات شاه مخلوع رسیدگی خواهد کرد، ظاهراً گوشه‌ای از معامله حد وسطی است که به رهائی گروگان‌ها باید منجر شود... (کیهان- اول اسفند ۱۳۵۸)

روزی نامه "نیویورک تایمز" گزارش داد: "اگر گروگان‌ها تا اسفند آزاد نشوند، کمیسیون مزبور تهران را ترک خواهد کرد... (همانجا) و صد البته، قطب زاده، واسطه این معامله با کاخ سفید، خبرهای بالا را "تکذیب" کرد. اما رویدادها نشان داد که خبرها کاملاً درست بوده و امپریالیسم آمریکا نقشه آزاد کردن "گروگان‌ها" را داشته است.

این کمیسیون روز ۵ اسفند ۱۳۵۸ وارد تهران شد. در همین روز هادینگ کارتر، سخن - گوی وزارت خارجه آمریکا، رسماً اعلام کرد:

"... کمیسیون سازمان ملل در تهران مجبور است برای رهائی گروگان‌ها تلاش کند و این کمیسیون نه تنها شکایات ایران را استماع می‌کند، بلکه در مورد گروگان‌ها هم تلاش لازم را صورت خواهد داد... (کیهان اسفند ۱۳۵۸)

روز ۶ اسفند ۵۸، اعضای هیئت با بنی صدر ملاقات کردند. در روز بعد قطب زاده گفت:

"ملاقات اعضای کمیسیون با گروگان‌های آمریکایی از طرف دانشجویان پیرو خط امام در دست بررسی است." (کیهان ۱۸ اسفند ۱۳۵۸)

برای توجه بیشتر خوانندگان یادآوری می - کنیم که در این روزها، امام خمینی بیمار و در بیمارستان قلب بستری بودند.

روز ۱۲ اسفند: "خبرگزاری‌ها از قول دفتر ریاست جمهوری ایران گزارش دادند که احتمال ملاقاتی (با گروگان‌ها) در آینده نزدیک بعید بقیه در صفحه ۷

اهمیت کمک کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در راه رشد

کشورهای سوسیالیستی در همکاری نزدیک و صمیمانه با کشورهای در راه رشد انواع کمک اقتصادی و فنی را در اختیار آنها می گذارند. اشتراک منافع سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش رهایی ملی در مبارزه به خاطر صلح و برضد استعمار و سیستم امپریالیستی در همه اشکال و مظاهر آن پایه عینی این همکاری را تشکیل می دهد.

طبق موافقت نامه های به امضا رسیده، کشورهای سوسیالیستی به ساختمان ۲۰۰۰ موسسه صنعتی یا کشاورزی، کارگاهها، مجتمع ها و غیره در کشورهای در راه رشد کمک کرده و می کنند. در حال حاضر اتحاد شوروی با بیش از ۵۰ کشور نواستقلال موافقت نامه های همکاری فنی و اقتصادی منعقد کرده است. حجم کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین لاینقطع افزایش می یابد. چنانکه در هند بیش از ۶۸۰ موسسه بزرگ صنعتی، کشاورزی و موسسات آموزشی با مشارکت اتحاد شوروی ساخته شده و پدر حال ساختمان است. کارخانه ذوب آهن بهیلائی و بوکارو، کارخانه ماشین سازی سنگین رانسی، کارخانه لوازم برقی هاردوار و غیره از آن جمله اند.

باید توجه داشت که تاثیر این کمک ها تنها در ارزش مطلق آنها نیست. هنگام ارزش یابی و مقایسه این کمک ها با روابط اقتصادی کشورهای در راه رشد و قدرت های امپریالیستی نباید از نظر دور برداریم که کمک سیستم جهانی سوسیالیستی قبل از هر چیز معطوف به این است که کشور های مذکور بتوانند در اسرع وقت به عقب مانده گی اقتصادی و وابستگی شان به امپریالیسم پایان بخشد. خصلت مهم کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به کشورهای در راه رشد در سنت گیری آن که همانا بارور کردن شاخه های اساسی اقتصاد ملی است نمایان می گردد. این کمک ها برای صنعت و انرژی ۷۳٪، متالورژی ۲۷٪، زمین شناسی ۸٪، حمل و نقل ها و ارتباطات ۱٪، کشاورزی ۵٪، آموزش، بهداشت و سایر امور ۴٪ است (از قام مربوط به اول ژانویه ۱۹۷۴ است).

کشورهای سوسیالیستی با کمک به کشورهای جوان در تنظیم مسائل عظیم اقتصادی شان انحصارات و دولت های خارجی را وادار به دادن امتیازاتی در روابط شان به کشورهای در راه رشد می کند. چنانکه انحصارات کشورهای امپریالیستی تحت تاثیر ساختمان کارخانه متالورژی بهیلائی (هند) بوسیله اتحاد شوروی ناچار شدند به یک سلسله از درخواست های کشورهای دیگر (پاکستان، تونس و اتیوپی در پیش از انقلاب آن) تن در دهند. امتناع انحصارات انگلیسی و آمریکایی از کمک به هند

در شناخت امپریالیسم معاصر (۱)

در تاسیس موسسات ملی نفت موجب شد که دولت هند برای ایجاد موسسات مذکور خود اقدام نماید. کمک شوروی به هند و سوریه در اکتشاف و استخراج مواد نفتی به شالوده ریزی صنعت ملی نفت در این کشورها مساعدت نمود. کمک کشورهای سوسیالیستی در زمینه ایجاد مجتمع های اقتصادی در شاخه های کلیدی اقتصاد به کشورهای ذینفع امکان می دهد که از منافع ملی خود بتامی بهره برداری کنند. کشورهای سوسیالیستی برخلاف کشور های امپریالیستی هرگز کمک خود را به تصاحب بخشی از سهام موسسات مشروط نمی سازند. کشورهای که از این کمک ها برخوردار می شوند مالک مطلق موسسات خویش اند.

کشورهای سوسیالیستی در روابط خود با کشورهای در راه رشد تنها به کمک بیغرضانه به این ملت ها می اندیشند و در مبادلات بازرگانی با آنها هیچ قید و شرط مصنوعی بوجود نمی آورند. مبادلات بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در راه رشد مبتنی بر قرار داد های تضمین شده، درآمدت است و صادرات و واردات کاملاً مشخصی را در بر می گیرد. این روابط عادلانه و برابر حقوق برای پیشرفت اقتصادی کشورهای عقب مانده نتایج مثبتی دارد. حجم بازرگانی خارجی اتحاد شوروی با کشورهای در راه رشد در دوران پس از جنگ (بین ۱۹۴۶ و ۱۹۷۰)، به قیمت های مشابه، ۴۵ بار افزایش یافت. کشورهای سوسیالیستی که می کوشند از راه بازرگانی خارجی نیز به کشورهای در راه رشد کمک کنند خیلی بیش از آنچه که به آنها می فروشند از آنها کالای خردند.

کشورهای سوسیالیستی اعتبارات قابل ملاحظه ای در اختیار کشورهای در راه رشد قرار می دهند. این امر به کشورهای مذکور امکان می دهد که از لحاظ اقتصادی پیشرفت کنند. این اعتبارات از حیث ماهیت و هدف با اعتبارات کشورهای سرمایه داری تفاوت دارند. منظور از اعطای این اعتبارات بدست آوردن سود های کلان نیست، بلکه کمک به پیشرفت اقتصادی کشورهای استفاده کننده است. اعتبارات تقویضی که در چارچوب موافقت های ۱۲ تا ۱۵ ساله انجام می گیرد بانرخ بهره ۲/۵ تا ۳٪ است.

کشورهای سوسیالیستی در زمینه تربیت کادرها مخصوصاً تربیت تکنسین ها به کشورهای در راه رشد کمک می کنند. آنها برای این کشورها موسسات آموزشی می سازند و در جریان ساختمان کارگاه های صنعتی و تولیدی به تربیت کادری محلی می پردازند و از محصلین آنها دعوت می کنند که در موسسات عالی و نگاه های تولیدی شان به آموزش و کسب تخصص مشغول شوند. تنها در اتحاد شوروی ۸۰۰۰۰ نفر از اتباع کشورهای در راه رشد با کسب تخصص عالی

فرارغ التحصیل شده و بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در سال تحصیلی ۱۹۷۶-۱۹۷۵ در موسسات عالی آن مشغول تحصیل بوده اند. علاوه بر این بیش از ۱۵۰۰۰ موسسه راهنمای اتحاد شوروی برای این کشورها متخصص و کارگر تربیت می کنند. بیاری اتحاد شوروی بیش از ۱۴۰۰ موسسه آموزشی، انستیتو، مدارس فنی و مراکز تعلیم و تربیت در کشورهای در راه رشد تاسیس شده است. در این موسسات بیش از ۱۰۰ هزار نفر با کسب تخصص های معین فارغ التحصیل شده اند. تنها طی سالهای اخیر بیش از ۲۰۰ هزار کارگر متخصص و استادکار به یاری متخصصین شوروی در کارگاه های در حال ساختمان کشورهای در راه رشد تربیت یافته اند.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از بذل هیچ پشتیبانی اخلاقی و سیاسی نسبت به این کشورها در سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی دریغ نمی دارند. روابط اقتصادی و غیره بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در راه رشد مبارزه آنها را برای رهایی از میراث سنگین استعمار استعماری و انجام دگرگونی های اجتماعی آسان می سازد.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از بذل هیچ پشتیبانی اخلاقی و سیاسی نسبت به این کشورها در سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی دریغ نمی دارند. روابط اقتصادی و غیره بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در راه رشد مبارزه آنها را برای رهایی از میراث سنگین استعمار استعماری و انجام دگرگونی های اجتماعی آسان می سازد.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از بذل هیچ پشتیبانی اخلاقی و سیاسی نسبت به این کشورها در سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی دریغ نمی دارند. روابط اقتصادی و غیره بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در راه رشد مبارزه آنها را برای رهایی از میراث سنگین استعمار استعماری و انجام دگرگونی های اجتماعی آسان می سازد.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از بذل هیچ پشتیبانی اخلاقی و سیاسی نسبت به این کشورها در سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی دریغ نمی دارند. روابط اقتصادی و غیره بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در راه رشد مبارزه آنها را برای رهایی از میراث سنگین استعمار استعماری و انجام دگرگونی های اجتماعی آسان می سازد.

براین اساس است که در دوران ما سیاست خارجی کشورهای در راه رشد بطور محسوس فعال شده است. این واقعیت را می توان در عرصه های مختلف: در خط مشی سیاسی جنبش کشورهای غیر متعهد، در فعالیت سازمان وحدت آفریقا و گروه بندی های مختلف اقتصادی کشورهای در راه رشد مشاهده نمود. از هم اکنون روشن است که با تناسب کنونی نیروهای طبقاتی در جهان، کشورهای رهایی یافته کاملاً می توانند در برابر امر ونهی های امپریالیسم مقاومت کنند و به کسب مناسبات درست اقتصادی بر مبنای حقوق برابر نایل آیند. آنچه که امروز بیش از هر چیز عیان است این است که کمک این کشورها به مبارزه عمومی در راه صلح و امنیت خلقها هنوز می تواند اهمیت بیشتری کسب کند.

کشورهایی که به استقلال سیاسی نایل آمده اند به علت رهایی از سلطه استعمار دیگر در صحنه بین المللی ابزار طبیعی در دست قدرت های امپریالیستی نیستند. سازمان ملل متحد که در زمان تاسیس (۱۹۴۵) ۵۱ عضو داشت در اول دسامبر ۱۹۷۵ تعداد اعضای آن به ۱۳۲ کشور رسیده که از آن میان ۸۷ عضو از کشورهای در راه رشد بودند. کشورهای جوان که تازه به استقلال رسیده اند به نیروی قدرتمندی در زندگی بین المللی بدل شده اند. آنها روابط بیش از پیش نزدیکی با کشورهای سوسیالیستی برقرار کرده و از کمک سیاسی و دیپلماتیک آنها برخوردار می شوند و به طور فزاینده دوش بدوش آنها بر ضد تهدیدات امپریالیسم و ارتجاع برای صلح و دموکراسی مبارزه می کنند.

فروپاشی سیستم استعماری امپریالیسم پایه های آن را سخت بلرزده و آورده و روز نابدی آن را نزدیک کرده است. جنبش رهایی ملی خلقهایی که علیه استعمار و استعمار نو مبارزه می کنند، یکی از سه نیروی عمده انقلابی است که سست کننده سرمایه داری را تشکیل می دهد و به پیشرفت روند انقلابی جهان یاری می رساند. تاثیر جنبش رهایی ملی بر سر نوشت جهان از بسیاری جهات به پیوندهای آن با دنیای سوسیالیستی و جنبش انقلابی کارگری کشور های پیشرفته سرمایه داری بستگی دارد.

"بدین سان می بینیم که پیش بینی لنین بزرگ به تحقق می پیوندد: زیر اخلق های مستعمرات و کشورهای وابسته با ورود به صحنه مبارزه رهایی ملی ناگزیر به مبارزه با خود پای های رژیم استعمار کننده می شوند و این بمعنای افول سرمایه داری در مجموع و افول سرمایه داری به مثابه یک سیستم اجتماعی جهانی است."

کنگره بیست و پنجم ح. ک. ا. ش. صفحات ۱۵ و ۱۶
کنگره بیست و چهارم ح. ک. ا. ش. ص ۳۳

اهمیت تاریخی فروپاشی سیستم استعماری

فروپاشی سیستم استعماری اهمیت تاریخی عظیمی دارد. این پدیده در اعلامیه کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در ۱۹۶۰ چنین توصیف شده است: "از هم پاشیدن سیستم بردگی استعماری زیر فشار جنبش رهایی ملی پدیده ای است که بنابر اهمیت تاریخی خود بلافاصله پس از تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی به وقوع پیوسته است."

ورشکستگی سیستم استعماری به طور محسوس موجب تضعیف امپریالیسم شده و تناسب نیروها در مبارزه دو سیستم جهانی سوسیالیسم بالنده و سرمایه داری میرنده به نفع سوسیالیسم تغییر داده است. در حال حاضر، امپریالیسم دیگر قادر نیست مانند گذشته پیرامون سر نوشت صدها میلیون انسان کشورهای رهایی یافته تصمیم بگیرد. فروپاشی امپراتوری های استعماری و دست یافتن بسیاری از کشورهای به استقلال سیاسی شالوده های موجود آورده که به دهها کشور امکان می دهد که در اسرع وقت بر عقب ماندگی عظیم اقتصادی خود فائق آیند و به ترازای ملی و اجتماعی این خلق ها جامعه عمل بپوشند.

گزاره ابوالحسن

بقیه از صفحه ۶ نیست. (کیهان)
به این ترتیب با طرح مسئله "دیدار هیئت با گروگان ها" توسط قطب زاده و تأیید آن توسط بنی صدر البته غیر مستقیم - هم نام هیئت وهم ماوریت آن، که رسیدگی به جنایات شاه مخلوع بود، بدست فراموشی سپرده شد و بسیار زیرکانه مسئله "دیدار هیئت با گروگان ها" در صد را اخبار قرار گرفت.
روز ۱۵ اسفند: "بنی صدر گفته است که قطب زاده با امام تماس گرفته و امام خمینی تصمیم شورای انقلاب را مبنی بر اینکه کمیسیون می تواند گروگان ها را ببیند تأیید کرده اند." (کیهان)
روز بعد معلوم شد که این استناد به امام دروغ است.
"دکتر بهشتی خاطر نشان ساخت که شورای انقلاب در این مورد با امام صحبتی نکرده است." (۱۶ اسفند ۵۸ - کیهان)
"گروگان ها" به مسئله اصلی تبدیل شده بود. مقاومت مرحله به مرحله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در برابر آن شکل گرفت.
امام چنین دستوری را بدهند، آن ها اطاعت خواهند کرد... و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام کردند، پس از تسلیم گزارش

بردگی در قرن بیستم

یکی از سازمان های که به مسئله بردگی و تجارت انسان ها می پردازد، "جامعه ضد بردگی برای حفظ حقوق بشر" است، که مقر آن در لندن است. این سازمان در سال ۱۸۲۳ پایه گذاشته شد و امروزه یکی از سازمان های مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ("اگو-سوک") است.
این سازمان چند ماه پیش در گزارشی به مسئله کار کودکان در تایلند اشاره کرد. تخمین زده می شود، که در این کشور ۳/۵ میلیون کودک جوانتر از ۱۴ سالگی به کار اشتغال دارند، که والدینشان آنها را به کار فرمایان فروخته اند. پدران و مادران این کودکان سالیانه ۴۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ ریال از این بابت دریافت می دارند. به موجب تحقیقات "جامعه ضد بردگی برای حفظ حقوق بشر"، در ایتالیا و اسپانیا نیز کار غیر قانونی کودکان روبه افزایش است. اسپانیا با و سرانجام رز ۲۱ اسفند، امام خمینی با صدور فرمانی، رسیدگی به مسئله "گروگانها" را به مجلس واگذار کردند و اعلام داشتند: "کمیسیون هنگامی می تواند گروگان ها را ببیند که نظریات خودش را در مورد تحقیقاتش در زمینه جنایت شاه مخلوع و دخالت آمریکا در

هشدار!

به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق

وصیت نامه سید محمد رضا سعادتى

سطور زیر که در فاصله اندکی از مرگ نگاشته شده و عصاره نتایج یک تجربه نادرست، زبان بخش و تلخ است، از محمد رضا سعادتى از اعضاء مؤثر سازمان مجاهدین خلق است. این سطور هشدارى است از پای جویبه اعدام به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق!

سعادتى مرگ خویش را دستمایه اعتبار سخنانش کرد و دو خطاب به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق نوشته است: "من می توانستم قبل از صدور حکم، با عنوان کردن نقطه نظراتم به طور رسمى، خود را از مرگ برهانم، ولی من مرگ را انتخاب کردم تا مادامی که این نقطه نظرات برای تمایلات شرکت آلود ترس از مرگ است."

در یک سال و نیم گذشته، هر کس از رهبری مجاهدین خلق انتقاد کرد، هر گروه و حزبی که آنها گفت اشتباه می کنید، رهبری مجاهدین خلق اورا "خائن و مرتجع" خواند. رهبری مجاهدین خلق با زدن این برچسب هارهنه، نیروها و عناصر انقلابی و مترقی، راه خود را بیشتر و بیشتر به سوی ضدانقلاب باز کرد، تا جائی که امروز رهبری مجاهدین خلق کاملاً دست امیرالیاسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی داده، علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کرده و به کشتار شخصیت های انقلابی و مردم بیگناه پرداخته است.

اما آنکس که سطور زیر را نوشته، تا امروز نژاد رهبری مجاهدین قهرمان بزرگی بوده است. رهبری سازمان بارها و بارها، سعادتى را سبیل مقاومت خلق معرفی کرده است. به این ترتیب وصیت نامه سعادتى، سخنان یکی از معدود کسانی است که رهبری مجاهدین خلق - غیر از خودش - به اولف قهرمانی داده است. سعادتى نیز - چنان که در وصیت نامه اش آمده - یاد کرد این مسئله که تنها مرگ او می تواند مانع از این شود که رهبری مجاهدین خلق، یکسره او را هم "خائن و مرتجع" بخواند، جان خود را وثیقه درستی بافته های نویسنش قرار داده است.

آنچه سعادتى در وصیت نامه خود نگاشته - با اینکه همه تحلیل های آن مورد تأیید ما نیست - عمل شجاعانه فردی در لحظه اعدام است که با نگرانگ بر میدارد تا سیاستى به غایت خائنانه را تیرباران کند، سیاستى که رهبری مجاهدین خلق آن را به سازمان تحمیل کرده و آن را تا اتحاد آشکار با امیرالیاسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی پیش رانده است.

ما همه اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق را به مطالعه دقیق وصیت نامه محمد رضا سعادتى جلب می کنیم و از آنها می - خواهیم که درباره این سخنان بیاندیشند و بیدرنگ راه خود را از رهبری ضدانقلابی مجاهدین خلق، که دست در دست امیرالیاسم جهانی، به سرکردگی امریکای خونخوار و ضدانقلاب داخلی دارد، جدا کنند و به آغوش انقلاب بازگردند.

متن وصیت نامه اینجانب سید محمد رضا سعادتى به ما در مجاهد، مادر رضائی های شهید
بسم... الرحمن الرحیم

رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً

مادر والای مجاهد! فرزندان مجاهد تو در آخرین لحظات حیاتش حرف های درونی اش را از طریق تو می خواهد به خواهران و برادران مجاهدش برساند. آرزو می کنم که با این عمل در پیشگاه خدا سرافکننده نباشم.

روی سخن من به سوی خواهران و برادران مجاهدیست که با آرمان های والای توحیدی آرزوهای پرشکوهی را دارند. بخصوص روی سخن من با کسانی است که اکنون مسئولیت رهبری سازمان را بر دوش میکشند و در مرکزیت آن نشسته اند. برادران! من در شرایطی به سوی مرگ گام برمیدارم که نتوانستم مواضع جدید سازمان را درک کنم و نسبت به آن اقعان بشدم. من شاید از پیش چنین خطری را احساس کرده بودم، ولی اکنون در این آخرین لحظات خطر را بسیار جدی و ملموس می بینم. من به هیچ وجه نتوانستم خود را قانع کنم که چنین خطری را ناگفته گذارم و از این نظر خود را مسئول احساس می کنم. برادران منم خودم را در اتخاذ مواضع جدید مسئول میدانم. هر چند که در زندان و به دور از تمامی بحث ها و تصمیم گیری ها بودم، لیکن من به عنوان یک عضوی که قدرت درک و تشخیص سیاسی، استراتژیک داشت و می توانست حد اقل اظهار نظر کند، در رابطه با سازمان حضور و وجود داشتم.

برادران ما با مواضع جدید مرزهای سیاسی - استراتژیک خود ما را با تمایلات بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه از یک طرف و مواضع اپورتونیسم چپ از طرف دیگر کاملاً مخلدوش کرده ایم. همان مرزهایی که ضامن حفظ و بقای سازمانی در ابعاد توحیدی اش بوده و حتماً میگویند که من در زندان بودم و از کم و کیف مسائل جامعه اطلاعی ندارم. این درست است ولی قبول کنید که مسایل جامعه آنقدر پوشیده نیست و منم آنقدر بیگانه نبودم. برادران! من بارها و بارها در رابطه با مواضع جدید سازمان گریستم. و هم اینک هم در موضع شدیدترین تاثرات عاطفی این مطالب رامی نویسم.

برادران ما چه جیب های را گشوده ایم و قدم در چه صحنه ای گذاشته ایم؟ چه شد که آن همه تحمل و شکیبایی انقلابی خود را از دست دادیم. همان شکیبایی که به آن ویژگی خاص توحیدی را در این مرحله میداد. برادران مادر دمی که امیرالیاسم ها بر ایمان چیده بودند گرفتار شدیم. ما کاملاً در صحنه ای گذاشته ایم که در آن صحنه تقابل هیچ کدام از طرفین دعوا از آن پیروز بیرون نخواهند آمد، بلکه این امیرالیاسم ها و مزدوران داخلی آنها هستند که کرکسوار بر بالای صحنه پرواز میکنند و انتظار روزی را میکشند تا فرود آیند و بارها انداختن حمام خون (از نوع اندونزی) دیکتاتوری وحشتناکی را حاکم گردانند و هزاران نفر را از طرفین به جوخه

اعدام بسیاریند. برادران ما به سهم خود در گشودن این صحنه که زمینه های روانی تحقق چنین کودتائی را فراهم میکند، مسئولیم. شاید مطرح کنید که این ما نبودیم که این صحنه را گشودیم، بلکه بر ما تحمیل گشت. ولی برادران، ما هم به عنوان یک طرف این دعوا می - توانیم و می توانستیم از زیر بار این تحمیل خارج شویم، کما اینکه تاکنون چنین بود. برادران عزیز! گاه لازم است که حتی از حقوق اساسی خود در رابطه با منافع تمامی خلق صرف نظر نمود، علی (ع) شیر میدان جنگ از حق خود ۲۵ سال صرف نظر نمود و شمشیر نکشید، با توجه به اینکه میدانست که اگر بیرون می آمد و فریاد حق طلبانه سر میداد، صدها و هزاران جوان سلحشور و جنگجوی عرب به دور او حلقه می زدند.

برادران! حتماً عنوان میکنید که از درون سیستم حاکم بالاخره امثال سادات ها درآیند و بیرون خواهند آمد. ولی چه دلیلی دارد که امروز ما در مقابل ناصر موضوعی گیریم، آیا وظیفه انقلابی حکم نمی کند که ناصر را تقویت نمود؟ برادران دفاع از لیبرال ها را در عمل مطلق کردیم و بالاخره در نهایت در این دام افتادیم.

برادران من هر چه که این جبهه و قطب بندی را جستجو کردم برای آن عمق طبقاتی نیافتم. برای آن نتوانستم مرز بین خلق و امیرالیاسم را ترسیم کنم. برادران در ویتنام، در کامبوج، در کوبا و... و در نیکاراگوئه نیروهای انقلابی با اتکاء به تمامی خلق در یکطرف قرار داشتند و امیرالیاسم ها، سرمایه - داران وابسته، فئودالیسم و اشراف، و مزدوران داخلی در طرف دیگر واقع شده بودند. ولی برادران ما در این صحنه چه قطب - بندی را در روبروی خود داریم؟ و با چه منطقی خود را راضی کنیم. من هر چه فکر کردم نتوانستم خودم را راضی کنم که عمق این صحنه برد بین خلق و امیرالیاسم را نشان میدهد. من در عمق صحنه دست های یلید و آتش افروز جهان خواران و مزدوران داخلی آنها رامی بینم که از آغاز پیروزی انقلاب کمترین سهمی در رودررو قرار دادن نیروها و پیروژه سازمان مجاهدین با حاکمیت بود.

برادران عزیز! من شمارا به فکر و اندیشه کامل توصیه می - کنم. من هیچ آرزو ندارم که هر مرگ عاملی جهت رشد خشونت ها گردد، بلکه در این آرزویم که حال که حیاتم در ایجا دفاعی صلح - آمیز و محبت گونه نقش نداشته است مرگم بتواند روح وحدت و صلح را در جامعه گسترش دهد، یعنی همان روحی که دشمنان ما یعنی امیرالیاسم ها ساخت از آن وحشت دارند.

برادران ما به حساب کدام نیروی اجتماعی یا بدین صحنه گذاشته ایم، مطمئن باشید که کارگران و دهقانان به هیچ وجه از هیچ کدام از طرفین دعوا حمایت فعال مادی و معنوی نخواهند کرد و اساساً از صحنه سیاسی جامعه دور شده و موضع منفعل - خواهند گرفت. همان چیزی را که لاشخورها در انتظار آنند.

برادران شما از دیکتاتوری و خفقان وحشت دارید، کدام دیکتاتوری؟ برادران، دیکتاتوری یا می باید بر بنیادهای فئودالی استوار باشد که در ایران چنین بنیادهایی وجود ندارد و بر اقتصاد کمربادوری که اینهم موجودیتی در سیستم حاکم ندارد. حتماً دیکتاتوری از نوع سرمایه داری دولتی مانند مصر و عراق و... را نام می برید. برادران ما می توانیم در کنار سرمایه داری دولتی بر علیه امیرالیاسم ها باشیم، گویا اینکه در این مسئله که نظام اقتصادی حاکم به سوی سرمایه داری دولتی می رود هنوز حرف هست. برادران فراموش نشود که ایران همواره در یکصد ساله اخیر کارتون تحولات انقلابی در منطقه خاور میانه بوده، ایران مهد تشیع سرخ است و از یک فرهنگ انقلابی قوی برخوردار است، از طرف دیگر برادران شرایط و اوضاع و احوال بین المللی اجازه شکل گیری چنان استبدادی را که عمدتاً بورژوازی آنرا تبلیغ می کند و ترس و وحشت از آن را دامن می زند، نخواهد داد.

من فکرمی کنم که ما هنوز اسیر در چنگ مسایلی هستیم که در زندان با آن روبرو بودیم و از سر گذرانندیم. ما به طور خود - به خودی به رشد خصومت ها و کینه های شکل گرفته در داخل زندان کمک کردیم و در نهایت حتی تا مرز یک قطب بندی پیش بردیم، در صورتی که شرایط کنونی مبین شرایط بعد از انقلاب بنیاداً با شرایط زندان تفاوت داشت. برادران بورژوازی از یک طرف و اپورتونیسم چپ از طرف دیگر چنان جو تبلیغاتی فراهم کردند که ما را به دنبال خودشان کشاندند بطوریکه ما مجبور شدیم که از خود در مقابل اپورتونیسم چپ دفاع کنیم که ما می گوییم "نیستیم و انقلابی" هستیم. ما موضع قاطعی در قبال اپورتونیسم چپ نگرفتیم. مادر قبال ما جراحی جویبه های آنها پاسخ قاطع ندادیم. برادران من فکرمی کنم که خط اصولی و صحیح دفاع و تقویت مواضع ضد - امیرالیاسمی رژیم حاکم است و مقابله و تضعیف آن در این مواضع اپورتونیسم چپ است. ما از ابتدا چنین اصولی را تبلیغ می - کردیم و نیروها را دعوت می کردیم که دست از چپ روی و مساجراجویی بردارند و مواضع ضد امیرالیاسمی رژیم حاکم را تقویت کنند و حتی در گنبد توصیه می کنیم که تمامی دستاخر خود را تعطیل کنند ولی خودمان به طور خود بخودی و تحت تأثیر جو فشار تبلیغاتی حاصل از بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه از یک طرف و اپورتونیسم چپ از طرف دیگر این اصول را نادیده گرفتیم. برادران خصایل ضد امیرالیاسمی را که ما از برای رژیم ترسیم میکردیم از آن جناح لیبرال مانبود، چرا که خود بهتر میدانستیم که لیبرال ها هیچ توان درک امیرالیاسم و خطر آنرا ندارند. این خصایل را مادر جناح دیگر جستجو می - کردیم، و برادران خیلی صریح بگویم من این خصایل را هنوز مشاهده می کنم و آنرا به شدت قابل تقویت می بینم. برادران عزیز! ما احتیاج به یک "تجدید نظر اساسی در خط مشی مان داریم، ما با نیروئی که در سطح جامعه در اختیار داریم، می -

توانیم با چرخشی اصولی و تاریخی فضای تیره و دشمن شادکن میهنمان را در گون کنیم و آنرا به محیطی سرشار از تلاش، سازندگی و محبت نمائیم. برادران تاریخ در مورد مقاومت خواهد کرد، میاد که فردای تاریخ ماسهمی از مسئولیت شکست ها را بر دوش بکشیم.

عزیزان! ما یکبار دچار غرور سازمانی شده ایم و نتیجه تلخ آن را نیز چشیده ایم، میاد که دوباره ما دچار همان غرور سازمانی شده باشیم. من فکرمی کنم که این غرور فعلاً وجود دارد. برادران فکر کنیم، به سرنوشت خلق، به سرنوشت انقلاب و به سرنوشت مکتبمان اسلام، میاد که این غرور ما را به دام خود کشانده است.

برادران من، از قبول شکست و پذیرش خطا و اشتباه نباید هراسید، برادران بجای اینکه به منافع کوتاه مدت سیاسی اندیشید، باید تاریخی اندیشید و یا بهتر بگویم باید تفکری توحیدی داشت هیچ مهم نیست که ما در حرکت های سیاسی مان شکست و عقب نشینی را بپذیریم. در مقابل توده ها غرور هیچ معنی و مفهومی ندارد. باید خلوص داشت. برادران من فکرمی کنم که ما فریب این حمایت های صوری و لفظی قشری از جامعه را نخوردیم، حمایتی که قبل از اینکه عمق انقلابی و توحیدی داشته باشد، عکس العمل عاطفی ناشی از گرایشات غیر انقلابی و طبقاتی قشر حمایت کننده است.

برادران ما می بخشید که چنین بی پروامی بگویم، شاید بگویند که "سید" بالاخره با این وصیتش به ما ضربت ممکن است که این وصیت باعث شود تا از نظر سیاسی شما حداقل مورد سؤال واقع شوید ولی من با ایمان و اعتقاد به حقانیت جهان بینی توحیدی و پیروزی نهائی آن حساب تمامی این مسایل را هم کرده ام و از نظر من هیچ مهم نیست که در ظاهر این وصیت نامه به سازمان ضربه سیاسی بزند، ولی من این ضربه را هشدار دهنده میدانم و آرزو دارم که برادران عزیزم را بویژه برادرانی که در مرکزیت سازمان قرار گرفته اند به فکر وادارند.

برادران من می توانستم قبل از صدور حکم اعدام با عنوان کردن نقطه نظراتم بطور رسمی خود را از مرگ برهانم ولی من مرگ را انتخاب کردم تا مادامی که این نقطه نظرات برای تمایلات شرکت آلود ترس از مرگ است.

من مرگ را با اشتیاق پذیرفتم و شاید چند ساعتی به آن نمانده است که من خودم را شهید در مسیر توطئه های امیرالیاسم - هامیدانم و من هیچ فردی را در این مورد مسئول نمی دانم و انتقام خون من جز از جهان خواران و مزدوران داخلی آنها پس گرفتنی نیست. باز در اینجا تکرار می کنم به هیچ وجه آرزو ندارم که مرگ من عاملی در جهت رشد و گسترش خشونت ها گردد، بلکه آرزوی قلبی من اینست که این مرگ در پیچه ها را به سوی وحدت و الفت بگشاید.

برادران عزیزم، در پایان این وصیت مجبورم نظر مرا خیلی صریح و روشن در مورد امام خمینی مطرح کنم. برادران امام خمینی در شرایط کنونی تاریخ میهن عزیزمان مظهر خشم توده های محروم ایران و حتی منطقه علیه غارتگری ها و جنایات جهان خواران است، برادران! چرا این خشم را تقویت نکنیم و چهره خندان امام خمینی را برای خود و برای توده ها طلب نکنیم. برادران امیرالیاسم ها و مزدوران داخلی آنها به شدت از این خشم انقلابی وحشت دارند، بورژوازی در داخل و سایر نیروهای که برای امیرالیاسم سفره پهن می کنند تلاش می کنند تا این مظهر را از بین ببرند و یا تضعیف کنند. برادران! ما نباید بمانند لیبرال ها برخورد کنیم، فرقی است بین یک سازمان انقلابی و مردمی با نیروهای لیبرال، نباید دچار همان غرور و عواطفی بشویم که تمایلات لیبرالی در داخل جامعه تبلیغ می کند. برادران مجاهد! من در این آخرین لحظات شمارا به فکر و صبر توصیه می کنم به فکری عمیق و تاریخی و توحیدی، صبری عمیق، تاریخی و توحیدی.

سلام علیکم با صبرتم فتنم عقبی الدار بادرود به تمامی شهدای به خون خفته خلق و با درود به خلق قهرمانان زنده باد اسلام - مرگ بر امیرالیاسم ها زندان اوین - ساعت ۶/۱۰ بعد از ظهر یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۰ / سید محمد رضا سعادتى - اعضاء (به نقل از "جمهوری اسلامی" ۶۰/۵/۷)

شرکت فعال در نبرد عادلانه بر ضد تجاوز رژیم صدام يك وظیفه انقلابی است!

مصلحت انقلاب ایران در پذیرش پیشنهاد مذاکره دولت افغانستان است

گروه‌های افغانی، که تحت لوای "اسلام" به تحریک و توطئه و ترور و بمب گذاری علیه دولت افغانستان مشغولند، از جانب آمریکا، انگلیس، چین، سادات و صیاح الحق، تعدیه و هدايت ميشوند و حکمت بارها و مجددی‌ها و ربانی‌ها به همان اندازه "مسلمان" و "انقلابی" اند که بختیار و اوسپی و همپالکی‌ها ایشان.

گذشته از اینها، افعی‌های زهردار افغانی، که ایران را حولانگشاه خود ساخته‌اند، در میان خیل پناهندگان افغانی، که بدون کنترل به هر حاشی روانند، انقلاب ایران را نیز از نیش مسموم خود، در امان نمی‌گذارند و خود از عوامل مهم موجود فساد، تحریک و توطئه‌اند.

پناهندگان افغانی، موجد دشواری‌های اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران هستند. هزینه تغذیه و نگهداری خیل عظیمی بین یک تا دو میلیون افغانی، در شرایطی که تا همین شرایط زندگی صد هزار جنگ‌زده ایران، وظیفه‌ای حاد و جدی بر دوش دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داده است، در شرایطی که بسیاری از نیرو ریزان اقتصادی و وابسته و بیوک، میلیون‌ها ایرانی را در تنگناهای معیشتی قرار داده است، باری سنگین و غیر ضرور بر دوش جمهوری اسلامی ایران است. دولت افغانستان بارها پناهندگان افغانی را به بازگشت به خانه و گاشانه خود فرا خوانده است و جندی است که اندک اندک، باروشن شدن حقایق درباره چهره و مقصود واقعی گروه‌های آمریکایی-افغانی، افغان‌های گمراه و فریب‌خورده کشور خویش باز میگردند. ولی متأسفانه هنوز دولت جمهوری اسلامی ایران، علی-رغم پیشنهادهای مکرر دولت افغانستان و غیر غم دشواری‌های عظیم ناشی از وجود یک تا دو میلیون افغانی، به مذاکره درباره حل این مسئله اقدام نکرده است.

امکان میدهد که خطری جدی و دائمی علیه جمهوری اسلامی ایران باشند و هر زمان که آریابان بخواهند، لیه تخریک و توطئه را علیه انقلاب ایران برگردانند. آنها با فاجای اسلحه و آرز، بد دشمنان انقلاب ایران، باری می‌رسانند.

دشواری‌های اجتماعی نیز از دیگر مسائلی است که خیل عظیم آوارگان افغانی پدید آورده‌اند. گروه‌های اوپاش و ماجراجو که در میان مهاجران افغانی پراکنده‌اند، همه جا را به فساد، دزدی، جنایت می-آلایند، و از آنجا که کنترل جدی از جانب دولت ایران، اعمال نمی‌شود، بی‌محایه فاجای گسترده هروئین، تریاک و حشیش، دزدی و قتل و آدمکشی، اقدام می‌کنند. آنها امنیت را در بسیاری نقاط، برهم زده-اند و محیط ترس و ناامنی پدید آورده‌اند.

دولت افغانی افغانستان بار دیگر از ایران و پاکستان تقاضا کرده است که برای عادی کردن مناسبات با یکدیگر به مذاکره بپردازند. از ۱۲ مه ۱۹۸۵ تا کنون، این هفتمین بار است که دولت افغانستان چنین پیشنهادی را مطرح ساخته است.

آخرین پیشنهاد دولت افغانستان در شرایطی طرح میشود که فقط واقعات بسیاری از آنچه در افغانستان میگردد، فاش گشته است و هر روز بیشتر روز پیش تحریک و توطئه علیه افغانستان را به مثابه "یک توطئه" آمریکایی-چینی می‌نمایند، بلکه تاثیر رسوخ "بازاربان"، پناهندگان مهاجرین افغانی برای انقلاب ایران نیز فزونی و شدت یافته است. جمهوری اسلامی ایران درست تر شرایطی که توطئه‌های خطرناک داخلی و خارجی امریالیستی برضد موجودیت خویش رو بوست، با دشواری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مضاعفی که بواسطه وجود یک تا دو میلیون مهاجر افغانی و اقدامات گروه‌های آمریکایی افغانی بوجود آمده، مواجه است.

این ها و واقعیاتی انکارناپذیراند که دولت انقلابی ایران را به نگرشی تازه و بر-خوردی شجاعانه به "مسئله افغانستان" فرامی‌خوانند. مسئله تنها این نیست که امپریالیسم آمریکا و متحدان او باید بشوینو خاک ایران انقلابی، که در صد سرنگون ساختن دولت آن هستند، برای تحریک و توطئه علیه افغانستان انقلابی سو-استفاده می‌کنند، مسئله تنها این نیست که تحریک و توطئه افغان‌های ضد انقلابی علیه دولت انقلابی افغانستان، با منافع واقعی مسلمانان انقلابی ایران، در تضاد است، مسئله تنها این نیست که اسلام "بازاربان" افغانی همان "اسلام آمریکایی" است، مسئله تنها این نیست که اسلام، مسئله همچنین آنستکه حل شدن مسائل فیما بین ایران و افغانستان جز به زبان مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حزیذ برش دشواری‌های غیر ضروری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست.

پناهندگان افغانی، دشواری‌های سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورند. وجود گروه‌های ضد انقلابی افغانی که از آمریکا، انگلیس، چین، سادات و صیاح الحق، پول و اسلحه و دستور می-گیرند، در میان مهاجران افغانی، بدانها

انقلابی، این روزها در حال و هوای مشابهی بر میزند. گروه‌های تروریستی ضد انقلابی، که توسط آمریکا و انگلیس و چین و پاکستان و مصر و عراق هدایت و تغذیه می‌شود، مسئولین و مردم این دو کشور را آماج ترور و بمب گذاری ساخته-اند، مداخله خارجی برای سرکوب هر دو انقلاب از طریق پاکستان (علیه افغانستان) و عراق (علیه ایران)، با بی‌گیری ادامه می‌یابد و توطئه‌های ضد-انقلابی علیه هر دو انقلاب در یک نقطه یعنی "کاخ سفید" طرح و به مجریان، یعنی کشورهای سرسپرده و گروه‌های ضد-انقلابی، ابلاغ میگردد.

امروز این واقعیت را همگان می-دانند که - صرف نظر از افراد گمراه و فریب‌خورده - سازماندهندگان اصلی

باید درباره پیشنهاد دولت انقلابی افغانستان برای مذاکره به طور جدی اندیشید. مصلحت انقلاب ایران در پذیرش این پیشنهاد سازنده و صمیمانه است.

باید درباره پیشنهاد دولت انقلابی افغانستان برای مذاکره به طور جدی اندیشید. مصلحت انقلاب ایران در پذیرش این پیشنهاد سازنده و صمیمانه است.

پناهندگان افغانی، دشواری‌های سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورند. وجود گروه‌های ضد انقلابی افغانی که از آمریکا، انگلیس، چین، سادات و صیاح الحق، پول و اسلحه و دستور می-گیرند، در میان مهاجران افغانی، بدانها

پناهندگان افغانی، دشواری‌های سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورند. وجود گروه‌های ضد انقلابی افغانی که از آمریکا، انگلیس، چین، سادات و صیاح الحق، پول و اسلحه و دستور می-گیرند، در میان مهاجران افغانی، بدانها

داری می‌کند. در این "مهدتمدن"، در این شهریارین حریف! ... "مرغ طوفان" حق مسلم خود می-داند که رئیس جمهور باشد، اما شجاع-السطنه "کسی نیست که از این حق مسلم خود بگذرد!"

"عمو، حواست کجاست؟ من یازده میلیون رای دارم. توجه داری؟"

"عمو تو کلان یازده تا هم رای نداری، برو بی کارت!"

"مرغ طوفان"، پای منقل آراسته-اش، پشت چشم نازک می‌کند و با صدای شکسته دلنوازش می‌گوید:

"هه! این شجاع‌السطنه، ریقماسی را به این چلوصافی به آفتاب می‌گذرد؛ سوراخه اخودت، عمو، صد تا بیشترش را داری مگر تونمی‌گفتی، می‌ایستم و می-ایستم؟ پس چی شد، اینجا، توشانزه لیزه خودمان چی کار می‌کنی؟!"

ابوالحسن خان، برپایه "روش تحقیق علمی" اعلام می‌کند که فرار "مرغ طوفان" با فرار خود او فرق "علمی" دارد. "مرغ طوفان"، بدبخت، از طوفان فرار کرده، اما او "توفان" را فرار داده است. آن فرار از نهایت ترس و این یکی از فرط شجاعت و "استقامت" است.

این تحلیل "علمی" را، خیال می-کنید "مرغ طوفان" درک کند و به آن گردن بگذارد؟ البته که نه! گردن می‌کند و چشم می‌دراند و حاضر است با منقار چشم "شجاع‌السطنه" را در بیاورد، ولی خود-

قیه از صفحه ۱

متحد ضد انقلاب، به آواز سوزناک بخوانند:

"بیا سوت دلان گرد هم آییم."

ولی مشکل این است که به قول گفتنی "دوباد شاه در اقلیمی ننگچند" "شجاع‌السطنه"، این مرد میدان که دلیری و بیاداریش نیازی به شرح و وصف بیشتر ندارد، - مشک آن است که خود نبود، بلکه عطار در بوق و کرنا بگوید - بله، ابوالحسن خان سپهسالار که می-دانید بزرگترین اندیشه جهان معاصر هم هست، "مرغ طوفان" را حقد کوری بیش نمی‌داند که "جبهه" را، "جبهه علمی" را، رها کرده آمده در پاریس لم داده است. اگر این فرار از سنگ مبارزه نیست، پس چیست؟

ایندیرا گاندی: تسلیح پاکستان محصول استراتژی تنش فزائی بین المللی آمریکاست

شوری و هند پایه گسترش مناسبات میان دو کشور است. آندره گرومیکو در مقاله‌ای، که به مناسبت دهمین سالگرد امضای این قرارداد در مجله "سرمین شوری" (چاپ دهلی) نوشت، مناسبات میان اتحاد شوروی و هند را "نمونه بارز اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظام های اجتماعی گوناگون" خواند.

وزیر خارجه اتحاد شوروی پشتیبانی خود را از پیشنهاد کشورهای منطقه اقیانوس هند درباره تبدیل منطقه به منطقه صلح تأیید کرد.

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، بار دیگر نگرانی کشور خود را از تسلیح پاکستان از سوی ایالات متحده آمریکا ابراز داشت.

وی در سخنرانی در شهر سری ناکار گفت: هند تسلیح پاکستان را در پیوند با رویایی فزاینده-ای می‌بیند، که در نتیجه استراتژی جهان شمول ایالات متحده پدید آمده است.

از سوی دیگر، آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی، گفته است، که قرارداد صلح، دوستی و همکاری میان اتحاد

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، بار دیگر نگرانی کشور خود را از تسلیح پاکستان از سوی ایالات متحده آمریکا ابراز داشت.

وی در سخنرانی در شهر سری ناکار گفت: هند تسلیح پاکستان را در پیوند با رویایی فزاینده-ای می‌بیند، که در نتیجه استراتژی جهان شمول ایالات متحده پدید آمده است.

از سوی دیگر، آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی، گفته است، که قرارداد صلح، دوستی و همکاری میان اتحاد

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، بار دیگر نگرانی کشور خود را از تسلیح پاکستان از سوی ایالات متحده آمریکا ابراز داشت.

حماسه هائی که در خون می شکفتند صدی پاسدار

سنگ‌های تجاوزگران صدامی، چسبیده به یکدیگر، آن روبرو گسترده شده بود. تجاوزگران آسوده در سنگرها نهان شده بودند و دشت مقابل را زیر نظر داشتند. دشت از حنده تپتی بود. سایه‌ای اگر به چشم می‌آمد، بی درنگ به رگبار گلوله و خمپاره بسته میشد. تجاوزگران چند ساعت قبل دستور فوق-العاده‌ای دریافت داشته بودند که می-بایست با تمام قوا از پیشروی رزمندگان ایرانی در این نقطه ممانعت کنند، در جبهه محاور، نبرد شدیدی جریان داشت تجاوزگران، با ذهنی پرسش وال و قلبی سرد، برای حفظ چیزی که به آنها تعلق نداشت، تلاش میکردند. نبرد در اوج حدت بود و هیچکس هنوز نمی‌توانست نتیجه آن را تعیین سازد.

نیروهای پیشرونده ایران، یک-پارچه آتش، یورش می‌برد، در سر خاک می‌افتادند، قدر است می‌کردند و باز پیش می‌رفتند. آنها تجاوزگران ترسان و منززل و ناامید را به وحشت مرگ انداخته بودند.

یک رشته سنگر تجاوزگران، در نقطه‌ای مرتفع محاور جبهه - همانها که در کشتار رفت - توجه شدید رزمندگان ایرانی را به خود جلب کرده بود. اگر این سنگرها سقوط میکردند، کار جبهه محاور پایان یافته بود. فرماندهان نیروی تجاوزکار نیز ایضا خوب میدانستند و به همین دلیل دستور حفظ آنها را به هر قیمت صادر کرده بودند.

ارتفاع یک متری منفجر میشود، آن یکی مینی است که خنثی کننده مین را خاکستر میکند. جمع آوری مین‌ها و بار کردن راه‌کار دشواری نبود، اما به زمان نیاز داشت. اگر مین جمع کن‌ها، امروز، از ساعت ۹ تا یک بعد از ظهر، یعنی زمانی که حرارت پنجاه و چند درجه هوا وانعکاس نور از خاک داغ، آنها را از دیده تجاوزگران خارج میساخت، کار میکردند، سنگرها به آسانی فتح میشدند. اما اکنون کار، کار لحظه بود. نه ساعت و روز، این سنگر-ها می‌بایست به هر قیمت هر چه زودتر فرو می‌ریختند. چاره چه بود؟ پاسدارها گرد هم نشستند و به چشمان هم نگرینتند. صحن بودند. گوشتی خورشید تمام انرژی‌شان را در بدن آنها دمیده بود. صدای قلب‌هاشان را تجاوزگران، اگر خوب گوش می‌سپردند، می‌شنیدند. تصمیم خیلی زود گرفته شد. تجاوزگران صدامی، با پشتگرمی به میدان مین، خاطری آسوده داشتند. با این همه، از گرمای خاک و خورشید بیگانه‌ای که گوشتی با همه دراتش به جنگ آنها آمده است، گله میکردند، چرا بدینجا آمده‌اند؟ خود نیز نمی‌دانستند. اما حال که آمده‌اند، باید بکنند و گر نه، باز گشت امکان پذیر نیست.

خورشید مغز آنها را می‌گذاخت. گرمای خوت چون صهی جلوی چشمان آنها را گرفته بود. ناگهان در ناگهان صدای چندین انفجاری در بی، همراه با غریب و لرزاننده‌ای که موبرتش هر تجاوزگر سرخ میگرد، آنها را از جا براند.

اللهاکبر... مرگ بر آمریکا! چندین نارنجک درون سنگرها منفجر شد و دقیقه‌ای بعد، سنگرها فرو ریخته بودند. گروهی از تجاوزگران کشته و عده‌ای دستباز را به علامت تسلیم بلند کرده بودند و صهیوت و ناباور و وحشت زده به چهره نحیب پاسدارانی که چشمان درخشان و پراشک خود را از آنها پنهان می‌ساختند، می‌نگریستند.

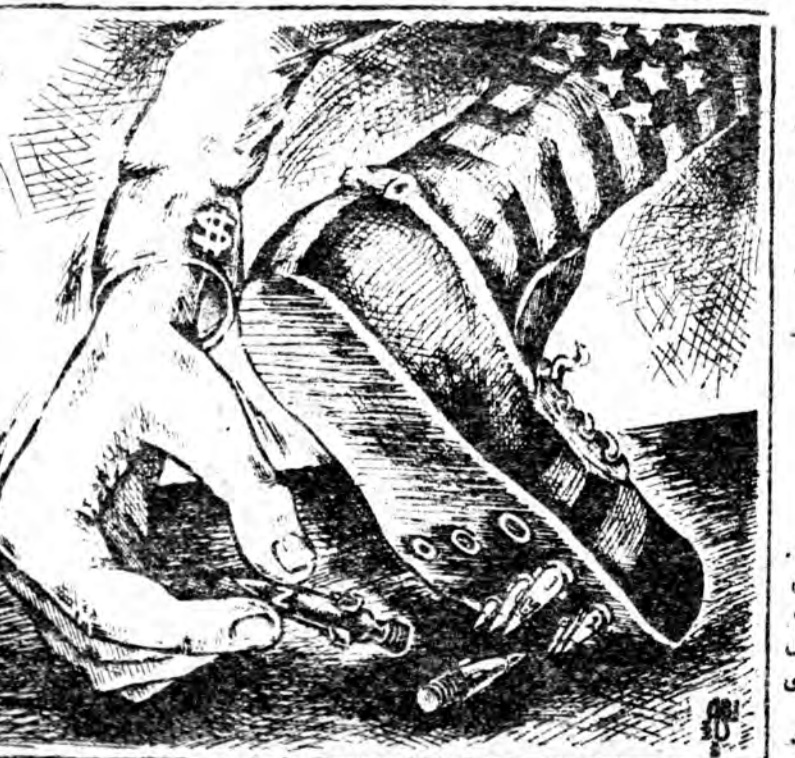
در پشت سر، سی و دو بیکر پر شور، با بر سر مرگ شهاده محاکم افتاده بودند. آری، چند دقیقه پیش، آن صد روح پر شور در یک خط مستقیم میدان مین را شکافته به جانب دشمن یورش برده بودند و سی و دو تن از آنان، که پیشاپیش می‌دویدند، در انفجار مین‌ها به خاک غلطیده و امکان داده بودند که بقیه از لای بیکرهایشان عبور کنند و سنگرهای دشمن را خنثی نمایند.

صحنه نبرد در جبهه محاور بسرعت بسود رزمندگان ایرانی تغییر می‌یافت.

به فاصله اندکی، چندین بار رزمندگان ایرانی سوی سنگرها یورش بردند، ولی یورش‌ها ناموفق بودند. اینجا و آنجا در دشت بی آنها، احساس تکه تکه شده پاسداران و سربازان ایرانی، که تجاوزگران هر از گاهی، با خشم و وحشت از دوباره بر خاستن آنها، به سویشان تیر می‌انداختند، با خاک تنها گویی راز دل می‌گفت.

علت شکست تمامی این یورش‌ها، میدان مین بزرگی بود که به فاصله ۵۰ متر از سنگرهای تجاوزگران، چون نیم حلقه‌ای، سنگرها را در حفاظ خود گرفته بود.

دور زیر خاک نشسته، که آرزو مند باران و بذر گندم بود، تجاوزگران جا به جا بذر مرگ کاشته بودند. تادر زیر پای سربازان و پاسدارانی که عاشق آن خاک بودند، بروید و به خاکشان کشند. در زیر آن خاک تفته، فنرهای مین‌ها همه آماده شدن بودند و نیش کلکسیونی از پیشرفته ترین ابداعات برای تکه تکه کردن زندگی‌ها، هیا هو می‌کرد. این مین ضد تانک است، آن دیگری تنها پای انسان را قطع می‌کند، آن دیگر از زمین بیرون می‌جهد و در



حرکت تازه در مسابقه تسلیحاتی

در بزرگداشت روز...

اصفحه ۱۰

روز جمعه ۹ مرداد، روز قدس، شهرها و روستاهای ایران صحنه خشم باشکوه مردم تهران ایران علیه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل جنایتکار بود. فریاد عداوتی که در آمریکا و سرزمین اسرائیل در فضای سپهر انقلاب، با طنین افکنده به روزمندگان انقلاب که در جبههها با مجریان توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم رودررو و مسلحانه درگیرند هستند شور و تحرکی دیگر بخشد. سبیل جمعیت در شهرها و روستاهای ایران در شراطی که جنایتکاران اسرائیلی با پشتیبانی بی دریغ آمریکا مردم لبنان و رزمندگان فلسطینی را قتل عام می کنند در شراطی که امپریالیسم آمریکا با سیخ تمامی نیروهای در منطقه، انقلاب ایران را همچنان مورد تهدید جدی قرار داده است و در شراطی که عوامل آمریکا وظیف وسیع ضد انقلاب در داخل کشور را شکست مفتضحانه دیگری برآورده اند، به بزرگداشت روز قدس پرداختند و حمایت بی دریغ خود را از رزمندگان فلسطین و دلاوران جبهه نبرد با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم ابراز داشتند.

امواج خروشان جمعیت در تهران از نخستین ساعات روز ۹ مرداد ۶۰، در مسیرهای دهگانه اعلام شده، در صوفی فشرده به سوی دانشگاه تهران روانه شدند. گزارش خبر-نگاران "اتحاد مردم" از این مراسم حاکیست، مردم به طور منظم با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر صهیونیسم" و "مرگ بر مفسدین صدام و سادات و بیگین" و "برپا، بر پا با مسلسلها، سوی اسرائیل، سوی آمریکا" و "سر آمریکا، اسرائیل، دشمن آزادگان، خشم و نفرت خود را از امپریالیسم و صهیونیسم جهانی به سرکردگی آمریکا اعلام کردند. بر طبق گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" گروههایی از رزمندگان عیاشی ایداران انقلاب، سیخ مستضعفین و سیز واحد هایی از ارتش جمهوری اسلامی ایران با رژه نظامی خود در این مراسم، اسب و ششگه فراوانی به تظاهرات بخشیده بودند در طول راه پیمایی مردم انقلابی ایران همچنین خشم و نفرت خود را نسبت به جبهه متحد ضد انقلاب که در طیف گسترده و رنگارنگ خود، قراردادها، اعلام کردند و بیمان بستند تا نابودی کامل این جبهه ضد انقلابی به نبرد خود که طی آن پیروزی های چشمگیری نیز تاکنون به دست آورده اند، ادامه دهند. گزارش خبر-نگاران ما همچنین حاکیست در طول راه پیمایی مردم با شعارهای "مرگ بر فرانسه" نسبت بعمل خصمانه دولت فرانسه در اعطای پناهندگی سیاسی به بنی صدر اعتراض کردند و خواهان استرداد بنی صدر روجی شدند در ساعت ۹/۴ صبح در حالیکه دانشگاه تهران و خیابان های اطراف آن مملو از جمعیت بود، مراسم روز قدس با خواندن قطعنامه همراه پیمایی میلیونی مردم آغاز شد. در این قطعنامه ضمن ستایش از رهبری قاطع و مدبرانه امام خمینی، با اشاره به انتخابات دوم مرداد و انتخاب ریاست جمهوری جدید ایران انقلابی، تاکید شده است: "تا وقتی (رئیس جمهور) در خط امام و خط انقلاب باشد، از حمایت بیدریغ توده های میلیونی بر خوردار خواهد بود." در همین قطعنامه حملات و توهین های صهیونیسم به مردم جنوب لبنان و فلسطینی های ساکن این مناطق، به شدت محکوم شده و بر حمایت مردم ایران از مبارزه مردم این نواحی و شریک بودن آنان با خلق لبنان و فلسطین در سوگ شهادت حوادث اخیر تاکید شده است.

امام خمینی :

ایران پرغم تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم... بسوی سازندگی نهائی پیش می رود

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت فرارسیدن روز قدس خطاب به مردم قهرمان ایران پیامی فرستادند. این پیام در مراسم روز قدس در دانشگاه تهران توسط حجت الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد. در این پیام، رهبر انقلاب خطاب به مردم "مسلمان و مستضعف" سرزمین های عربی از جمله خاظر نشان کردند: "تاکی قدس شما در زیر چکمه تغالله های آمریکا و اسرائیل غاصب، پای کوب شود، و تاکی سرزمین قدس، فلسطین و لبنان و مسلمانان آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سربرند و شما تماشاچی باشید و بعضی حکام خائن شما تش بیار آنها باشند"

امام خمینی همچنین با اشاره به "حضور یکار چه مردوزن، کوچک و بزرگ" در صحنه و حضور یکپارچه و پر شور آنان در انتخابات تاکید کردند که مردم با این عمل "توطئه گران و فتنه انگیزان" را از صحنه خارج ساختند.

رهبر انقلاب در بخش دیگری از پیام خود تاکید کردند: "امروز ایران به رسم بوق های خاچود سنگاه های تبلیغاتی آمریکا و صهیونیسم وسیلی خورده های از انقلاب پهسوی سازندگی نهائی پیش می رود"

امام خمینی خطاب به "مسلمانان و مستضعفین" جهان گفتند: "مستضعفان جهان دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند و ننگ سلطه صهیونیسم، تغالله آمریکا را از دامن خود بزایند"

رهبر انقلاب در قسمت دیگری از پیام خود متذکر شدند: (مردم کشورهای منطقه) بعضی از سران خائن (کشورهای عربی) را که برغم مسلمانان و اسلام دست در دست اسرائیل و چشم به فرمان آمریکا برخلاف مصالح مسلمین به زندگی سیاسی ننگین خود و به زندگی جنایتبار خدیش ادامه میدهند، از صحنه خارج و در گورستان تاریخ مدفون نمایند"

* استمرار مبارزه با آمریکا و استمرار شعار مرگ بر آمریکا

از اصول سیاست خارجی ایران است

* مردم انقلابی ایران خواستار استرداد بنی صدر از فرانسه شدند

در قسمت دیگری از این قطعنامه، حملات "عوامل مزدور و سرسپرده استکبار جهانی و صهیونیسم بین المللی به سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور، محکوم شده و از وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است تا "بوضع سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور رسیدگی کرده و سعی کنند این سفارتخانه ها، مظاهر جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور گشته و پیام های انقلاب ایران را به گوش جهانیان برسانند". در همین قطعنامه با اشاره به عوام فریبی های دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم در قبال مجازات عوامل ضد انقلاب در ایران آمده است "ما این عوام فریبی ها را که به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا صورت می گیرد محکوم می کنیم". در قسمت دیگری از این قطعنامه با اشاره به فرار بنی صدر به فرانسه و ضمن حمایت از ارتشیان متعهد و مبارز آمده است: "از شورای عالی دفاع مصرانه می خواهیم تا پس از بررسی ریشهای قضیه عاملین کمک در فرار بنی صدر مخلوع را شناسایی و هر چه زودتر به مردم معرفی کنند". پس از قرائت قطعنامه در میان غریب شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل" مهندسین حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت این روز سخنان مهمی بیان کرد. وی از جمله تاکید کرد، برگزاری این روز در شراطی است که "نیروهای امپریالیستی آمریکا در سراسر اقیانوس هند، در منطقه، در سودان، در سومالی، در کنیا، در اعمال با ایجاد پایگاه های سعی می کنند انقلاب

اسلامی ما را محاصره نماید"، کشورهای مرتجع منطقه و حکام وابسته به آمریکا در منطقه بعنوان دفاع از قدس و بایوشش آزادی قدس دست به اتحاد شومی زدند و سعی می کنند راه حل های کمپ دیوبندی را در منطقه گسترش دهند "و نیز در مرزهای خود مشغول ستیزی خونبار یا عوامل صهیونیسم و امپریالیسم هستیم". مهندس حسین موسوی آنگاه به اشعارات به گاری (روز) باعث دریده شدن پرده، ریا از چهره حاکمان مرتجع و متحد با امپریالیسم آمریکا در منطقه است. حاکمانی که تحت پوشش دفاع از فلسطین، هر چه بیشتر پایگاه های آمریکا را در منطقه استوارتر ساخته اند، حاکمانی که با نقشه های پلید خود سعی کرده اند، نیروهای رزمنده

در حاشیه مراسم روز قدس

بنی صدر فراری

حجت الاسلام رفسنجانی در سخنان خود با اشاره به اینکه بنی صدر با سخنانش خود را به خوبی رسوا میکند از مقامات فرانسوی خواست او را هر روز برای مصاحبه پشت میکروفون ببرند!! وی همچنین گفت اگر بنی صدر سیاستمدار بود، ۲ ماه پیش میرفت، بدرقه هم می شد، مشتکی از خاک ایران را با خودش میبرد و سیلش را هم از دست نمیداد!!

گوا میداشت شهدا

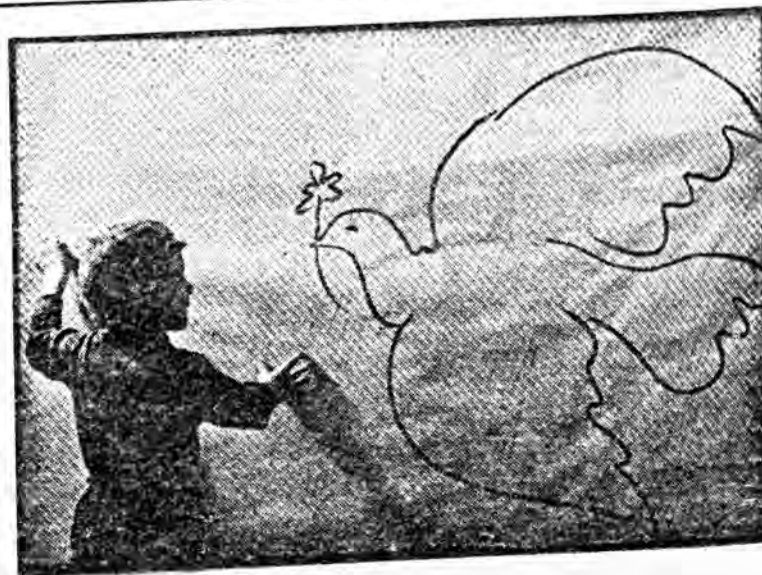
در جریان برگزاری مراسم باشکوه روز قدس در دانشگاه تهران، مردم انقلابی ایران خاطره شهیدان انقلابی حجت الاسلام محمد منتظری را که در طول زندگی خود با تلاش خستگی ناپذیر لزوم مبارزه همه جانبه با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل جنایتکار را متذکر می شد، و در این راه بی مهابایی رزمید و نیز خاطره تمامی شهدای انقلاب اسلامی ایران را با فریادهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر صهیونیسم" گرامی داشتند و پیمان بستند مبارزه با امپریالیسم آمریکا را تا پیروزی نهائی ادامه دهند.

"سیم" (پارلمان لهستان) به بررسی

تدابیر اقتصادی دولت پرداخت

یکی از اسناد کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" در روز شومنتشر شد. این سند بر "ضرورت بسیج همه نیروها در مبارزه علیه خطری، که بنیاد سوسیالیسم و استقلال و حاکمیت لهستان را تهدید می کند" اصرار می ورزد. سند نامبرده می افزاید: "نقش رهبری حزب شرط لازم تکامل سوسیالیسم است" کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" دستگیری سیاست خارجی لهستان را در زمینه تنش زدایی و همکاری بین المللی یادآور شد. لهستان پشتیبانی کامل خود را از مصوبات کنگره بیست و ششم "حزب کمونیست اتحاد شوروی ابراز داشته است.

از سوی دیگر "سیم" (پارلمان لهستان) در اجلاسی، از جمله، به بررسی پیشنهاد های دولت درباره غلبه برد شوری- های اقتصادی کنونی پرداخت.



سلاح بیولوژیک «سیا»

سبب مرگ ۸ کودک کوبانی شد

فیدل کاسترو سیاست خارجی تجاوزکارانه ایالات متحده را، که به تشویق عملیات تخریبی علیه کوبا می پردازد، محکوم کرد. وی در سخنرانی به مناسبت "رستاخیز ملی کوبا" گفت: "ایالات متحده آمریکا به محاصره اقتصادی کوبا دست زد، اقدامات تروریستی را علیه رهبران آن سازمان داد و در راه نابودی کشاورزی کشور کوشش کرد. از آنجا که به روش های کثیف "سیا" خوب آشنا هستیم، میتوانیم به یقین بگوئیم که آمریکا هنوز جنگ افزارهای بیولوژیک خود را علیه ما به کار می برد. بیماری واگیری، که چندی پیش به مرگ ۱۱۳ کوبایی، از جمله ۸ کودک، انجامید، کار "سیا" بود."

دشمن تنها آمریکاست بامتحدان و عمال و تفاله‌هايش

منسی بشود.

این خط انحرافی آمریکائی، معروف به "خط برژینسکی"، دوبار در روبرویی با "خط امام" در معرض شکست سخت قرار گرفت. یک بار، پس از ملاقات و مذاکرات محرمانه سران دولت "گام به گام" با برژینسکی در الجزایر که در پی آن دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به تصرف جاسوخانه آمریکا کردند و دولت "گام به گام" رابه سقوط کشاندند. بار دیگر، پس از اوج درگیری نیروی انقلابی پیرو خط امام با جریان بنی صدر که به سقوط و هزیمت وی منتهی گشت. در هر دو بار، شعار "مرگ بر آمریکا" که می‌رفت تا "منسی" شود، از نو با تمام قدرت در فضای کشور طنین افکن شد و سیاست ضد آمریکا، ضد امپریالیسم به سر-کردگی آمریکا، سیاست مبارزه آشتی ناپذیر استقلال طلبانه بر ضد آمریکا و متحدان و "تفاله‌هایش" سیاست مسلط گردید.

غرض از یادآوری محملی که از مبارزه دو خط انقلاب و ضد انقلاب، "خط امام" و "خط برژینسکی"، در این دو سال و نیم پس از بهمن ۵۷ به عمل آمد، جلب توجه همه نیرو-های راستین انقلابی به این نکته اساسی است که پیش کشیدن شعارهای انحرافی به جای شعار اصلی "مرگ بر آمریکا" دارای محتوی و هدف مهم سیاسی است. این که پس از سقوط بنی صدر، پس از روزهایی که "مرگ بر آمریکا" یگانه شعار توده‌ها در پهنه ایران بود، باز مشاهده می‌شود که اینجاء آنجا شعاری به گوش می‌رسد که "شوروی را مطرح می‌کند"، هدف-سیاسی آن باز همان "منسی" کردن آمریکاست به قصد انحراف مبارزه از خط اصلی خود.

مبارزه البته ادامه دارد، آمریکا البته همچنان در صدد شکستن انقلاب ایران و استقرار مجدد سلطه خود بر کشور ماست. "تفاله‌های" آمریکا نیز با نقابهای رنگارنگ البته هنوز هستند، و بنا بر این کوشش آنها در جایگزین ساختن شعارهای انحرافی امری است طبیعی. اما سخن بر سر این است که به نظری رسد هنوز

خط اصلی مبارزه برای تقویت، گسترده‌گی و ژرفایی مداوم انقلاب، خط پیروزی نهایی انقلاب یکی بیش نیست، و آن خط مبارزه با دشمن اصلی-آمریکا است، یعنی مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، مبارزه با آمریکا و متحدان و عمال دور و نزدیک آن، مبارزه با آمریکا و تفاله‌های ایرانی آن، مبارزه با آمریکا و قشرهای کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی آمریکا در جامعه، ماهستند.

از مردای سقوط رژیم دست نشانده شاه ملعون، شعار "عداوت شاه نوبت آمریکاست"، پایان صریح محتوای ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه انقلاب، خط اصلی مبارزه را مشخص کرد. و لول، همچنین، از همان فردای انقلاب، خطی که بعدها به نام خط برژینسکی شهرت یافت ابتدا از سوی لیبرالها مطرح شد. سپس مجموعه، تفاله‌های آمریکا، با نام‌ها و نقابهای گوناگون، از حزب "خلق مسلمان" و "حزب ایران" و "جبهه ملی" گرفته تا "جبهه" های "فلاسی پیکاری" و "رنجبری" و غیره، بدان پیوستند و همراه "سلطنت طلبان" و "تاواکیها" و دیگر اوباشان "جبهه ضد-انقلاب" را زیر پرچم "سپهالار بنی صدر" تشکیل دادند.

سوءعمل رهروان خط برژینسکی، طرح شعارهای انحرافی از خط اصلی مبارزه بر ضد آمریکا بود.

الله، هیچیک از این "تفاله‌های" آمریکا به دلیل آن قدرت انقلابی که در خط اصلی مبارزه منبسط بود به دلیل عظمت نیروی انقلابی استقلال طلب، ضد امپریالیستی و مردمی به رهبری امام خمینی، یارای آن نداشتند که بی پرده خواستار بازگشت آمریکا شوند. تا جاز سیاست "گام به گام" برای هموار کردن راه بازگشت "عموم" را در پیش گرفتند و با شعارهای انحرافی، از جمله بر ضد کشورهای عربی جبهه پایداری، بر ضد کشورهای سوسیالیستی و بیوزنه بر ضد اتحاد شوروی، به تیرزه ساختن مساسات جمهوری اسلامی ایران با جبهه "ضد امپریالیستی جهانی پرداختند. درست، همان گونه که امام فرموده‌اند، "خط" این بود که آمریکا اصلاح منسی (فراموش بشود شوروی را مطرح می‌کردند تا آمریکا منسی بشود. خط این بود که قضیه "مرگ بر آمریکا

آن را به دیگران تفهیم کند و خود در آن شرکت جوید، وظیفه، انقلابی خود را به درستی انجام داده‌است. هر کس که این واقعیت را بداند، ولی آن را بیوشاند و طفره برود و خلط مبحث کند، ضد انقلابی است. اما آن کس که هنوز این واقعیت را نمی‌داند و در عین حال صادق به انقلاب و خواستار پیروزی نهایی آن است، فردی است انقلابی که هنوز قطب نما و مسیر حرکت انقلابی خود را بدرستی نیافته است و به آسانی می‌تواند طعمه فریبکاری "شیطان بزرگ" و "بچه شیطانها" شود. منطقی که بتواند هر انقلابی صادقی را در مسیر درست حرکت انقلابی قرار دهد ساده‌است: دشمن اصلی آمریکا است. هر کس، هر گروه، هر نیرو و هر دولتی که با آمریکا است دشمن است. هر نیروی انقلابی، هر جاکه باشد، باید بر ضد آمریکا و متحدان و عمالش به کار رود. تضعیف جبهه ضد آمریکایی به هر عنوان که باشد به سود آمریکا است. ایجاد جبهه مصنوعی یا جبهه فرعی خود به خود جبهه ضد آمریکایی را تضعیف می‌کند. از این رو، از افتادن به دام شعارهایی غیر از شعار ضد آمریکایی باید پرهیز کرد، زیرا این شعارها- دانسته یا ندانسته- بیانگر خط آمریکایی و به سود آمریکا است.

شاید اینجاست که: پس شعار "نه شرقی، نه غربی" چه می‌شود؟ پاسخ این است که این شعار بیان خواست برحق استقلال تام و تمام کشور است، نه دشمنی و کینه و بدخواهی نسبت به دولتهایی که به هیچ روبرو ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توطئه نکرده‌اند و نمی-کنند، بلکه در حد توان خود و تا آنجا که توقع و خواست ماست از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده‌اند و می‌کنند. پاسخ این پرسش را همچنین می‌توان در بیانات حضرت آیه الله منتظری یافت که در مصاحبه اخیر خود با مجله "الازمنة العربیه" چاپ شارجه چنین تصریح کرده‌اند:

"ما با هر کشوری که سعی نکند خود را بر ما تحمیل و یا ما را استعمار کند دوستی خواهیم داشت. ما نمی‌خواهیم دور خود را دیوار بکشیم و میان خود و دیگران جدایی ایجاد نماییم. ولی اسلام با افرادی که علیه آن توطئه می‌کنند مبارزه می‌کند. . . ." (روزنامه جمهوری اسلامی- ۲۷ تیر ۱۳۶۰)

سخن از این روشنتر؟

هستند برخی از نیروهای صادق وفادار به انقلاب که در دام "شیطان" می‌افتند، شعار-های انحرافی را تکرار می‌کنند و بدین سان ناخواسته آب به آسیاب خط سیاسی "برژینسکی" و "تفاله‌های" آمریکا می‌ریزند.

هر فرد یا نیروی صادق وفادار به انقلاب باید به این نکته توجه جدی کند که شعار بیانگر خط سیاسی است. بنا بر این هر شعاری که برای آمریکا شریک جرم تراشد، هر شعاری که بخواهد مبارزه ضد آمریکایی را منحرف کند و به سوی دیگر سوق دهد، هر شعاری که حتی به قدر خردلی سایه رضامندی بر چهره "منحوس آمریکا" و "تفاله‌هایش" بنشانند، هر شعاری که دوستان انقلاب ایران را دشمن معرفی کند، شعاری است "آمریکایی"، به سود ضد انقلاب حتی اگر نه از روی غرض بلکه به انگیزه گمانی صادقانه طرح یا تکرار شود.

مسئله مبارزه با آمریکا، بسیج همه نیروهای بسیجی ضد آمریکا، بهره مندی از همه نیروهای ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی در ایران و جهان برای نبرد انقلابی ضد-آمریکایی، مسئله گرهی انقلاب و مسئله سرنوشت انقلاب است.

آمریکا، بامتحدان و عمال و تفاله‌هایش، با قدرت شیطانی سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی، جاسوسی و تبلیغاتی اش، با صدام هاو ضیاء الحق ها و خالدها و قابوس ها و سادات ها و یگین‌هایش، دشمن کوچکی نیست که انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران بتواند بدون بسیج همه نیروهای انقلابی د جبهه ضد آمریکایی آن را شکست دهد. هر کس که به هر عنوان یا به هر نیت بخواهد جبهه دیگری غیر از جبهه نبرد بر ضد آمریکا و تفاله‌های خارجی و داخلی اش بگشاید، دانسته یا ندانسته، عملا به سود آمریکا گام برداشته‌است.

ما با آمریکا در جنگیم، ما با آمریکا و متحدان و عمال و تفاله‌هایش در جنگیم، نه با هیچکس دیگر. هر کس که این واقعیت را بداند و

مصاحبه‌ای با یکی از رهبران برجسته جنبش مقاومت السالوادور

انقلابیون السالوادور پایگاه اجتماعی خود را گسترده تر و فراگیرتر می‌سازند

ما آماده‌ایم تا با سرمایه داران خرده پا و متوسط قرار دادهائی برای همکاری با دولت انقلابی-دمکراتیک آینده ببنیم، که هم به سود آنان و هم به نفع مردم باشد. دشمن مشترک همه ما عبارتست از فاشیسم، ستاد فرماندهی ارتجاعی ارتش، "خونتا"ی خونخوار و دولت مداخله گرایالات متحده آمریکا.

اکثریت مطلق مردم دارای منافع مشترک اند و از این رو سیاست ما آنست که جبهه‌های گسترده تر و فراگیرتر از همه نیروها طبقات و قشرهای اجتماعی پدید آوریم.

پرسش: آیا می‌توان سیاستی را، که در قبال سرمایه داران خرده پا و متوسط دنبال می‌کنید، در همه جوانب آن، برای جلب محافل میهن دوست ارتش نیز بکار بست؟

پاسخ: ما از سیاست واقع بینانه و پر جاذبه‌ای پیروی می‌کنیم، که از جمله متوجه جلب سرمایه داران خرده پا و متوسطی است، که خواهان راهی یافتن میهن دوستانه، ضد-فاشیستی و ضد مداخله جویی هستند. محافل شرافتمند و میهن دوست ارتش نیز جز نیرو-های ضد فاشیست و ضد مداخله جوی شمار می-آیند. این سیاست همچنین متوجه اینانست. ما خواهان برنامه مشترکی هستیم، بدون آن که بخواهیم همه این نیروها را در صفوف خود گرد آوریم.

از این رو طبیعی است، که باید در پی جلب محافل نامبرده از میان سرمایه داران و خواستار توافقی سیاسی با آنان بود. این به معنای آن نیست، که مبارزه مسلحانه را پایان بخشیم، از پیکار در راه سرنگونی رژیم حاکم چشم پوشیم، یا آنکه از عزم خود، منسی بر پایداری نظامی در برابر مداخله گران بانکی، دست برداریم. برعکس، از یکسو، مبارزه مسلحانه و حقه خود را به بی ستون سیاست هم پیمان جویی خود بدل می‌کنیم و از سوی دیگر می‌کوشیم تا با محافل پیشگفته جویای راه حلی عادلانه باشیم.

دارد. ما به ارتشیان شرافتمند و میهن دوست فرصت می‌دهیم، که همدوش ما در راه برون رفت از بحران کنونی گام بردارند.

آنچه به "حزب دمکرات مسیحی مربوط می‌شود، سیاست خشونت و خلق کشی نبود چشم انداز سیاسی-اجتماعی تضادهای درون حزبی را دامن زده‌است، در اینجا مقصود من گروهی نیست، که در چهار ماه اول ۱۹۸۰ از این حزب جدا گردید و اکنون خود را "جنبش خلقی سوشیال مسیحی" می‌نامد، بلکه تضاد-های داخلی را در نظر دارم، که در بالاترین سطح دولت میان گروه "فیدل شائوس منا" و دارو دسته "دوآرتسه" آشکار شده‌است. علاوه بر این، باید از اختلاف میان گروه نخست و دیگر نهادهای حزبی، میان "دوآرتسه" و شهرداران منتسب به حزب، سخن گفت، که از ترس کشته شدن، از مقام خود استعفا کرده‌اند.

پرسش: درباره پشتیبانی مردم از سیاست "اف.ام.ال.ان." و "اف.د.ار." چه می-توانید بگوئید؟

پاسخ: مردم کماکان پشتیبان ما هستند البته این پشتیبانی دیگر بصورت سنتی مبارزات توده‌ای نیست. ما دیگر از امکان بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی برخوردار نیستیم. از این رو، چندان ساده نیست که مردم را بطور منظم درباره سیاست خود آگاه سازیم. تشدید پیکار بویژه در گستره نظامی، امکانات ما را برای سازماندهی اقدامات توده‌ای در شهرها محدود کرده‌است. این روستاهاست، که به کانون این گونه مبارزات بدل شده‌است. گرچه پیکار-های سخت مانع از آن گردید تا در شهرها دست به سازماندهی تظاهرات بزنیم، ولی این واقعیت را نادیده نمی‌انگاریم، که در این زمینه دچار اشتباهاتی نیز شده‌ایم. ما اکنون به تصحیح این اشتباهات مشغولیم و قصد داریم کمپاگاه اجتماعی انقلاب را همه جانبه گسترش دهیم. سیاست توده‌ای ما بر پایه افراد نیروهای وابسته به فاشیسم و مداخله گر استوار است.

صادراتی را در پی داشته‌است. در ظرف سال گذشته، کشت پنبه ۳۳٪ کاهش یافت. نتیجه آن شد، که قیمت منسوجات نخی در داخل کشور بالا رفت، عرضه روغن پنبه محدود گردید و السالوادور در گستره صدور پنبه ۵۰ میلیون دلار ضرر دید.

تولید قهوه، که یکی از بی ستون های اقتصاد را تشکیل می‌دهد، بر اثر کاهش قیمت‌ها در بازارهای بین المللی و برخی مسائل فنی کشت بادشواری روبروست. این مسئله به کاهش درآمد صادراتی بمیزان ۳۰۰ میلیون دلار انجامیده است.

بعلت کاهش تولید، رو به پرفته، بیش از ۴۴۰ میلیون دلار به اقتصاد کشور زیان وارد آمده‌است. فزون بر این، باید از فرار سرمایه از مرز میلبارد ها دلار سخن گفت، تا به بعد راستین بحران اقتصادی پی ببریم کوشش امپریالیسم را برای دادن کمک مالی به "خونتا" همچنین در این واقعیت باید جویا بود. خود "خونتا" نیز شتابزده نهادهای مالی بین المللی رابه یاری فرامی‌خواند.

در نتیجه بحران نامبرده، از پایان سال ۱۹۷۹ تاکنون، در حدود ۱۲۶ کارخانه تعطیل شده‌است. ۶۱٪ آنها اعلام ورشکستگی کرده-اند. در نتیجه تعطیل این کارخانه‌ها، ۱۶۷۰۰ نفر کار خود را از دست دادند و، بدین ترتیب بیکاری مزمن بار دیگر گسترش یافت. برای نمونه، صنعت مصالح ساختمانی تنها ۵۰٪ ظرفیت خود تولید می‌کند. کارخانه‌های سیمان "سن" و "مایا" در آستانور شکستگی قرار دارند. اینها تنها چند نمونه-بحران عمیق اقتصادی کنونی است. بدینسان، مشهود است که "اصلاحات" "خونتا"ی نظامی دمکرات-مسیحی با ناکامی کامل روبرو شده‌است. تنها دولتی انقلابی-دمکراتیک می‌تواند در جوی صلح آ میز کشور را از این بحران رهائی بخشد هر چند تضادهای پارسال در درون ارتش تا اندازه‌ای تخفیف یافته‌است، اما این اختلافات اساسی هنوز به گونه‌ای نهفته وجود

جندی پیش، مجله "السالوادوری" بین سامینور و لوسوناریو ("اندیشه" انقلابی) مصاحبه‌ای با "ماریو آخونی نادا کارانسا"، عضو رهبری واحد انقلابی جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارنی و کمیسیون سیاسی دیپلماتیک "اف.ام.ال.ان."-اف.د.ار. ("جبهه" آزادی بخش ملی فارابوندومارنی - "جبهه" دمکراتیک-انقلابی)، به عمل آورد، که قسمت های عمده آن در زیر نظر خوانندگان می‌گذرد:

پرسش: آیا تضاد میان "خونتا" و "اف.ام.ال.ان."-اف.د.ار." در حال حاضر مهم ترین تضاد کشور ماست؟

پاسخ: بلی، مهمترین ویژگی اوضاع کنونی کشور ما تضاد میان "خونتا"ی نظامی-دمکراتیک-مسیحی است، که می‌خواهد سیاست ضد خلقی خود رابه زور آتش و شمشیر اعمال کند و نیروهای "اف.ام.ال.ان." و "اف.د.ار."، که هدفشان سرنگونی خونتا" و استقرار دولتی انقلابی-دمکراتیک است.

پرسش: آیا تضادهای فرعی دیگری نیز هست؟

پاسخ: بلی، تضادهای دیگری هم وجود دارد. از جمله تضاد میان محافل گوناگون بورژوازی، تضادهای درونی دولت، حزب دمکرات مسیحی و ارتش. بویاکی تضادهای نامبرده به تضاد میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب بستگی دارد.

پرسش: بحران اقتصادی و اجتماعی رژیم در دوران کنونی به چه شکل بروز می‌کند؟

پاسخ: بحران اقتصادی اشکال هر چه شدیدتری بخود می‌گیرد. تولید بویژه برای صدور-کاهش هنگفت یافته‌است. برای نمونه تولید شکر از ۱۹۷۰ تاکنون از ۶/۳ میلیون مد وزن اسپانیایی (یک مد وزن اسپانیایی = ۴۶ کیلوگرم) به ۲/۵ میلیون مد وزن اسپانیایی تقلیل پذیرفت. بدین ترتیب، در این زمینه حتی نیاز داخلی تامین نمی‌شود. کاهش تولید شکر ۹۰ میلیون دلار زیان از پایت درآمدهای

وقایع مهم جهان در یک هفته

در پی کودتای کامبیا نیروهای مداخله گر سنگال وارد آن کشور شد

داود اجوارا، رئیس جمهور کامبیا، به هنگام وقوع کودتا در لندن بود. وی گفته است که خویش را معزول نمی داند و بخشی از ارتشیان نیست به او وفادار مانده اند.

به گزارش خبرگزاری های غربی نیروهای کشور همسایه، سنگال، برای سرکوب کودتا وارد کامبیا شده اند.

پس از وقوع کودتای کامبیا، راد بوابین کشور، تشکیل یک "شورای ملی انقلابی" را گزارش داد. ریاست این شورا را کولکی ساپاسانیا، یکی از رهبران مخالفان، به عهده دارد. حکمرانان جدید قانون اساسی را به تعلیق انداخته اند، پارلمان را منحل کرده اند و فعالیت همکاران سیاسی را غیرقانونی اعلام داشته اند.

حمله نژاد پرستان آفریقای جنوبی به آنگولا

از پشتیبانی چند هواپیما برخوردار بودند، چند یگان پیاده و گردان هایی از مزدوران را شامل می شدند.

شب چهارشنبه ۷ مرداد نیروهای مسلح آفریقای جنوبی از طریق نامی بیسا به آنگولا حمله کردند و شش قریه را تصرف خود درآوردند. نیروهای مهاجم، گه

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران کشتار وحشیانه مردم بیگناه جنوب لبنان را محکوم می کند

خواهران و برادران عزیز!

یک بار دیگر دست جنایتکار آمریکا از آستین صهیونیسم بین المللی بیرون آمد و با کشتار وحشیانه مردم بیگناه جنوب لبنان داغ ننگ دیگری بر پیشانی امپریالیسم جهانی نهاد. حادثه دلخراش جنوب لبنان و کشتار زنان و کودکان به خوبی بویچ بودن ادعاهای مدافعان حقوق بشر آمریکایی را نمایان ساخت.

مامادران ایرانی که خود از جنایت های آمریکای جهان - خوار داغ های بی شمار بردل داریم، با غم و درد بسیار، این جنایت هولناک را شاهد بودیم و با اراده محکم تر و کینه افزون تر همراه با شما به مبارزه سازش ناپذیر خویش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ادامه خواهیم داد.

پهروز با مبارزات مردم محروم جهان علیه ستم جهانخواران مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، با اطمینان کامل به پیروزی انقلاب تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

خلق ما

غول است

با پیکری ستبر

با قامتی بلند چو الوند

غول است این، غلام حبش نیست

گرنش نمی کند

وسرنمی نهد این غول دریای هر خسی

غولی است رسته بندگ بسته

دیوار سنگ ظلم شکسته

وسر برون کشیده از آفاق

واینک

پیکار واپسین را

پا در نهاده به میدان

برخاسته است

از خاستگاه ناصر خسرو

استاد طوس بابک حیدر

و دل نهاده است به آزادی

و آواز داده مردم دنیا را

تا در تلاش کینه و خشم و خون

خود را رها کنند ز بیدادی

این اوست او

این غول مهربان

آموخته به رنج فراوان

مردانه ایستاده به میدان

آموزگار دوده انسان

اکنون در این زمان

۹ تیر ۶۰

جلال سرفراز

اختصاص یکی دیگر از اردوگاه های ارتشی به تظاهرکنندگان جوان بریتانیا

پس از چند روز آرامش، بار دیگر در لیورپول جوانان به تظاهرات دست زدند. درگیری میان پلیس و تظاهرکنندگان سه نفر زخمی شدند.

این تظاهرات در پی اعتراضات وسیع چندین پیش جوانان بریتانیا در ده ها شهر این کشور علیه میکاری، فقرو نژاد پرستی صورت گرفت. پلیس با گلوله های پلاستیکی و گاز "سی.اس." به مقابله وحشیانه با جوانان دست زد. سه هزار تن دستگیر شدند. بیش از ۹۰۰ هزار جوان بریتانیایی بیکارند. مقامات بریتانیایی یکی دیگر از اردوگاه های ارتشی را به بازداشتگاه دستگیرشدگان نامبرده اختصاص دادند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ۳۰۰ نفر از آنها به این اردوگاه فرستاده خواهند شد.

مجله «نیوایج» (هند) :

پنججاه سازمان «سیا» ساخته در ایران به توطئه علیه ایران و افغانستان مشغولند

میدهند. رادیو کابل اعلام داشت که در جریان یکی از این عملیات سرکرده یکی از این گروه ها کشته شد. وی که از پاکستان به افغانستان فرستاده شده بود، عامل قتل بسیاری از مردم غیر نظامی و بیگناه بود. در فیض آباد نیز گروهی از ضد-انقلابیون نابود گردید.

یوری کورنی لوف، یکی از مفسران "تاس" رادیو "صدای آمریکا" را متهم ساخت که در تفسیر چهارشنبه ۷ مرداد خود درباره اوضاع افغانستان دست به تحریف زده است. "صدای آمریکا" ادعا کرده بود که کورنی لوف با هرگونه راه حلی در این باره بکلی مخالف است، در حالیکه مفسر "تاس" تنها پیشنهادهای غرب را در این زمینه مردود شمرده بود.

کورنی لوف گفته بود که برای مسئله افغانستان راه حلی میتواند و باید پیدا شود و این راه حل باید بر پایه "پیشنهاد دولت افغانستان درباره مذاکره با کشورهای همسایه استوار باشد. از سوی دیگر، غرب میخواهد در اصطلاح "کنفرانسی بین المللی" وبدون حضور نمایندگان افغانستان مسئله افغانستان را مطرح کند. افغانستان و اتحاد شوروی این پیشنهاد را غیر واقع بینانه و غیر قابل قبول "خوانده اند.

به گزارش هفته نامه "نیوایج" (هند)، در حدود پنججاه سازمان "سیا" ساخته افغانی های ضد انقلابی در ایران فعالیت می کنند.

به موجب خبر "نیوایج"، این سازمان ها نه تنها با اقدامات تخریبی علیه افغانستان دست می زنند، بلکه به ثبات زدایی در ایران نیز مشغولند.

"نشان هرالد" هندی نیز خبر میدهد که چندین پیش عده ای ضد انقلابیون افغانی از مرز هند گذشتند و اینک در تدارک ترور وزیران آن کشور و دیپلمات های خارجی هستند. این تروریست ها را نیز "سیا" آموزش داده است.

مجله "نیویری پابلیک" (چاپ نیویورک) می نویسد که "سیا" واگذاری سلاح را به تروریست های افغانی سازمان و هماهنگی می دهد. به نوشته این مجله:

"عملیات مخفیانه نامبرده در زمان کارتر آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. حتی در آن زمان، ایالت متحده این فعالیت ها را با چین هماهنگ می ساخت. همچنین مصر و عربستان نیز به بهانه دفاع از "اسلام" در این اقدامات شرکت داشته اند.

نیروهای امنیتی افغانستان عملیات امنیتی خود را علیه عناصر ضد انقلابی با موفقیت ادامه

تقاضی مداوم قرار آتش بس لبنان

از سوی اسرائیل

علیرغم قرارداد آتش بس ۲۴ مرداد ۶۰، هواپیماهای اسرائیلی کماکان به پرواز های اکتشافی خود بر فراز جنوب لبنان ادامه دادند. منوچیم بگین، ضمن تأیید ادامه این پروازها، گفت:

"اسرائیل در این زمینه تعهدی نسبت به قرارداد آتش بس ندارد و ایالات متحده بر این امر آگاه است."

وزارت خارجه ایالات متحده هم پشتیبانی خود را از پرواز های اکتشافی اسرائیل برای بازداشت و استیلا، نظامی "تل آویو" در "واشینگتن" آمادگی کشور خود را برای تکرار عملیاتی چون بمباران بیروت در روز ۲۶ تیر ۶۰ اعلام کرد. در جریان این بمباران تنها در عرض یک ساعت ۴۲ نفر کشته و ۸۰ نفر زخمی شدند.

رهبری نیروهای ملی میهنی لبنان پرواز های اکتشافی اسرائیل را بر فراز لبنان "ادامه تجاوز خواند و اظهار داشت که اسرائیل از قرارداد آتش بس برای تدارک تحریرات مسلحانه بیشتر استفاده می کند.

نخست وزیر لبنان خواستار آن شد که سران کشورهای عرب هر چه زودتر در گردهمایی به بررسی تحریرات مداوم اسرائیل علیه لبنان بپردازند.

از سوی دیگر، پاس عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین، در مصاحبه ای در تلویزیون آمریکا گفت که مسئله فلسطین، "مسئله کلیدی خاورمیانه" است. او دولت آمریکا را به تماس مستقیم با "سازمان آزادی بخش فلسطین" فراخواند. عرفات اسرائیل را متهم کرد که می خواهد به یاری آمریکا مردم فلسطین را نابود سازد.

وزیر دفاع اتحاد شوروی :

اتحاد شوروی خواهان امنیت خلیج فارس است

در مقاله اوستینوف گفته میشود: "اتحاد شوروی خواهان تقویت امنیت بین المللی در همه مناطق جهان، از جمله در خاور نزدیک و خاور میانه، منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس است."

در اروپا بوده است و خواهد بود، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از این تصمیمات پشتیبانی میکند و همه اصول مناسبات خارجی را، که در هلسنیکی اتخاذ شد، در قانون اساسی ۱۹۷۷ خود تسجیل نموده است.

"پراودا" از ایالات متحده به خاطر نقض تصمیمات "کنفرانس هلسنیکی" انتقاد کرد و نوشت: "کوشش ایالات متحده برای برهم زدن تعادل نیروها در اروپا از راه استقرار موشک های هسته ای جدید امنیت قاره را تهدید می کند."

مارشال اوستینوف، وزیر دفاع شوروی، دولت آمریکا را فراخواند تا از "مشکی خطرناک"

"کمیته شوروی برای امنیت و همکاری اروپا" روز پنجشنبه ۸ مرداد ۱۳۶۰ در اجلاس ویژه در مسکو ششمین سالگرد "کنفرانس هلسنیکی" را بزرگداشت.

آلکسی شیتسکی، رئیس این کمیته، در سخنرانی در این اجلاس گفت:

"ابتکار جدید شوروی درباره گسترش تدابیر اعتماد-آفرین در زمینه نظامی و وضع "مورatorium" بر موشک های هسته ای جدید میان برد در اروپا راه را برای گفتگوهای جدی درباره تهدید مسابقه تسلیحاتی هسته ای صاف خواهد کرد."

"پراودا" در این باره نوشت:

علیرغم همه تغییرات موقت در سیاست برخی کشورهای تصمیمات "کنفرانس هلسنیکی" سنگینی دراز مدت سیاست صلح

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
معمود اعتمادزاده (م. ر. به آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی - صندوق پستی ۱۱۷۷/۴